

حمد خدا را آفتابی نمیشویم که کسی ما را ببیند یا بشناسد یا اقلاب وجود ما قاتل باشد. بیرون رفتن ما از خانه چقدر کم است، یکدسته متعولین که برای خرید اجناس لوکس فانتزی بمفازه ها و بارهای گوناگون رفته و البته چون شناخته نمیشوند که کسی هستند هزار قسم بیسی احترامی از دکان دارها و گسبه دیده و بروی بزرگوار خود نمیاورند. یک قسمت فقرا و متوسطین هستند که برای خرید نان و گوشت و سایر لوازم زندگی مثل "خاله سوسکه" از منزل خارج شده و خرید مینمایند.

تفاوت ما با زنهای خارجه اینست که آنها در موقع بیرون رفتن از منزل دندانهایشان دیگر کار نمیکند و فقط با دوست کار میکنند، ولی ما بیچاره ها برای نگاهداشتن چادر که مایه آبرویمان است اجناس خود را که خریده ایم زیر دو بغل گذارده و دو طرف چادر را با دندان خود گرفته راه میرویم. در این صورت معلوم است چه روئیت و حالتی داریم. وای اگر زمستان هم باشد، آب دماغ و دهان هم جاری میشود و با یک نفر را صدا بزنیم دماغمان را بگیرد. با این اقتضای بیرون میرویم اما جای شکرش باقی است که کسی ما را نمیشناسد.

قسمت دیگر بیرون رفتن از خانه برای رفتن بخانه های فالچها و رمالان و دعا نویسان است که دائماً مثل خط زنجیر سیاهی با بین خانه ها ایاب و ذهاب میکنیم و چقدر خوشحال هستیم از اینکه بواسطه این چادر اغلب در این خانه ها چندین نفر از دوستان و خویشان میآیند و هم دیگر را نمیشناسیم و این عمل زشت مادر خفا میماند. حالا یک عده برای گرفتن دعای سفید بختی از برای خود و سیاه روزی دیگری میرویم، یکدسته برای خبر گرفتن از آتیه و گذشته و آگاهی از بخت و اقبال و ستاره خود میرویم، یک عده هم برای دعای بی وقتی و نظر قربانی بجهت اطفال که یا گریه میکنند و یا از خواب میپرند و یا غش مینمایند. بیچاره زن هر چه میزاید از ما بهتران برده و پا نمیگیرد و حالا یک دعای مجرب میخواهد که بچه اش بماند.

اینست طرز زندگانی و کارهای عمده ما یکمشت بیچاره مبتلابه عقاید خود و گرفتار هزار گونه ورشکستی اخلاق و عاری از همه قسم حیات و شرافاتی که دیگران برای خود قائل هستند. چه کار دارم اگر نامی از نهسای ایرانی در جرائد خارجه درج نمیشود؟ آیا آنها نماز یا روزه است که جزو واجبات باشد؟ حالا با وصف اینکه من عقیده ندارم که اسمی از ما در جراید برده شود و خود هم بلد نیستم چیز بنویسم و با کسی هم چندان معاشرت

ندارم (یعنی از ترس همان علتها که گفتم) ممکن است اگر خبرنگار محترم بجزئی سواد من اکتفا میکنند گاه گاهی در مجله عالم نسسوان چیزی بنویسم که پیشنهاد های خانمها از روی سالی دولت و نهایت همراهی آنها و شدت علاقه آقایان به ترقی نسوان تا چه درجه و در چیست ، بشرط اینکه توقع سجع و قافیه یا عبارت پردازی از من نداشته باشند ، اگر اینها را میخواهند بایده متوسل بیک نفر از اجزاء انجمن ادبی شد .

خدیدجه وزیر

‘پیداری ما‘

سال دوم ، آذر ماه ۱۳۲۴ شمسی ،

شماره پنجم ، صفحات ۲۱ - ۲۹ .

اهدائی : الیزا ناساریان

هر دم از این باغ بری میرسند
تازه ترا تازه تری میرسند
(یا دستورات اخیر وزارت فرهنگ)

چون روح هرملتی فرهنگ، ودانش است وزارت فرهنگ ما هم همیشه در صدداست که پیشرفتهای زیادی برای دختران و پسران که امیدنسل آینده میباشند فراهم آورد اینست که اخیراً " در حدود بیست نفر از آخوندهای بیسواد و پلاهای مزدور و مرتجع که سراپا شهوت و نمونۀ بیچارگی ملت ایران هستند بمنظور خراب نمودن افکار دختران و پسران (به نام مذهب و تدریس آیات منتخبه و شرعیات) میخواهند بمسئداری بفرستند .

البته ما موریتی که این آخوندهای خرافاتی بیسواد دارند طبق دستور آنها نیست که ما موریت بیچارگی و اسارت ملت ایران را بتمام مذهب و دین و چادر و چاقچور و عوام فریبی میخواهند با کمال مهارت انجسام دهندولی دیگر مشکل است که دختران و پسران زیر بار بیچارگی و اسارت بروند .

اگر واقعاً " وزارت فرهنگ قصدش تعلیم شعائر مذهبی است چرا ایس

عده بیسوا د شهوت پرست مزدور را بمدارس دخترانه یا پسرانه میفرستند؟ چرا اشخاصی تحصیل کرده اعم از زن یا مرد که در دبیرستانها دارند با آنها رجوع نمیکنند اگر حقیقتاً " منظورشان درس دینی است چرا از لیسانسیه های معقول و منقول که لا اقل با سواد و افکارشان مانعند این زالوهای اجتماع نیست که فقط میخواهند مذهب را دستاویز ظاهر سازی و عوام فریبی و موریتهای دیگر بتعمیلند استخدا نمیکند آخوندیکه در تمام عمر مال یتیم و صغیر را با کلاه های شرعی بلعیده و اوقاتش صرف شهوت رانی و داشتن چندین زن عقدی و صیغه است و تمام مقدسات آئین مذهبی ما را با خوردن حرام و گفتن دروغ و وقفست و تعلق بدعا گودا رد میآید باید داخل دبیرستانها شود.

تعجب اینجاست در عصری که دنیا رو بمنتهای تکامل و ترقی و تعالی می رود همه فریاد تحصیل اجباری و اصلاح فرهنگ برای رسیدن به یک هدف اصلاح بشریت و جا معه دارند وزارت فرهنگ ما صرف نظر از اینکه جلوگیری از چاق درو چاقچور و این وضعیت مسخره آمیز زنهای حتی در خود وزارت خانه نمینماید میخواستند منظور احتیاج افکار و ترقی خواهانها به کمشت آخوند بیسواد خدا شناس را بجان دختران بیچاره مسدود انداخته و اینجا دفساد اخلاق و همه قسم تبلیغات خرافاتی بدست ایشان و بنام مذهب که بهترین دستورات اجتماعی و اخلاقی را شامل است بنمایند.

و نیز شنیده میشود که فرهنگ دانش پرور ما در صد تنظیم بخشنامه است که بمدارس بفرستند دادن همه قسم نمایشات و فیلمها در مدارس ممنوع است حقیقتاً " اسباب افتخار است که وزارت فرهنگ ما کاملاً بمعنای ترقی و پیشرفت جا معه پی برده است (گفتار که نالیم که از ما است که بر ما است) اشخاصیکه دستور دارند که از راه فرهنگ نسل جوان ملت ایران را خفه کنند بداند که دیگر زحمات آنها را غیر از خجالت و پشیمانی برای خودشان ثمری ندارد ملت ایران بکمک جوانان روشن فکر و آزاد میخواستند قهراً " در جریان حوادث روزگار واقع شده و سیر تکامل را می بیند این اعمال مشت پرستان زدن است.

‘عالم زنان’

سال اول، شماره ۱، تیرماه ۱۳۲۳

منبع: نقد و سیاحت، محمد گلین

مصاحبه مجله عالم زنان با دکتر فاطمه سیاح
در پیرامون نهضت زنان و حقوق بانسوان

بنا به وقتی که قبلاً گرفته بودم برای ملاقات با نوید دکتر فاطمه رضا زاده سیاح به منزل ایشان رفتم، با خوشرویی مرا در کتابخانه خود پذیرفتند و پس از اظهار خرسندی از انتشار مجله "عالم زنان" که به عقیده ایشان خدمت موثری در راه هدایت زنان خواهد بود به سئوالاتی که از ایشان شد با صمیمیت جواب دادند، با نوید دکتر رضا زاده سیاح تنها زنی است که تاکنون در ایران رتبه استادی داشته و از سال ۱۳۱۵ در دانشگاه تهران مشغول تدریس می باشد و در دانشکده ادبیات صاحب دو کرسی است: کرسی "روش تاریخ ادبیات و سنجش ادبیات زبانهای خارجه" (اروپایی) و کرسی "زبان و ادبیات روسی". به علاوه خانم تا میرده بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه و مذاکره در امور اجتماعی می نمایند و در نهضت زنان متحمل زحمات زیادی شده اند. به زبان های روسی، فرانسه، انگلیسی آلمانی و ایتالیائی کاملاً آشنا می باشند و مسافرتها ی زیادی به نقاط مختلف اروپا از قبیل فرانسه، آلمان و ایتالیا و غیره نموده اند و مخصوصاً در این مسافرتها بیشتر در قسمت هترها ی زیبا مطالعه ای کرده و به تماشای تئاترها و کتابخانه ها و موزه ها پرداخته اند. اینک سئوالاتی که از ایشان شده و جوابهای که داده اند در زیر به نظر خوانندگان می رساند:

۱- شرح مختصری از زندگانی و تحصیلات خود را بیان فرمائید.

در شهر مسکو یا پتخت روسیه متولد شده ام. پدرم مرحوم رضا زاده سیاح مدت ۲۵ سال در دانشکده زبانهای شرقی در مسکو پروفیسور زبان و ادبیات فارسی بودند. تحصیلات متوسطه و عالی خود را در مسکو گذرانده و از دانشکده

ادبیات اونیورسیته مسکو و ادبیات اروپایی به گرفتن درجه دکترا موفق شدم و رساله دکتری خود را راجع به آثار تول فرانس به رشته تحریر درآوردم. مدت چهار سال در دانشکده های روسیه مشغول تدریس بودم و سپس در سال ۱۳۱۳ به ایران آمدم.

۲- عقیده شما درباره نهضت زنان و حقوق بانوان در ایران چیست؟
 با آنکه طرفدار نهضت بانوان و تساوی حقوق ایشان می باشم مع هذا با عقیده دارم که زنان بایستی کورکورانه مقلد مردها باشند زن باید شخصیت خود را که طبیعت بها و داده است حفظ کند. از اینرو وظیفه مادری برای او مقدم بر وظایف دیگر است. اما مادر برای تربیت فرزندان نش باید دارای فکر روشن و اطلاعات کافی باشد تا بتواند اطفال خود را نه فقط از لحاظ جسمی بلکه از لحاظ روحی و فکری نیز خوب تربیت کند. به عقیده من زن علاوه بر این که باید شخصیت زنانه خود را حفظ کند، یعنی مادر خوبی باشد، باید از لحاظ ظاهر نیز متوجه جمال و زیبایی خود، یا شد. از طرف دیگر پیشرفت فکری و اخلاقی را پیوسته باید مورد نظر داشته باشد و این قبیل ترقی برای زن از راه قرائت کتب خوب می باشد.

۳- چه شرکتی در جنبش و نهضت بانوان ایران فرموده اید؟
 از اولین سال ورود به ایران با یک عده از زنان روشنفکر به اقداماتی برای آزادی و نهضت بانوان دست زده ام و هنگامی که وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۵ "کانون بانوان" را تشکیل داد جزو هیئت مدیره این انجمن شدم. در همان سال پس از برداشته شدن حجاب در ایران از طرف دولت ایران به سمت عضویت هیئت نمایندگی ایران در هفدهمین دوره جامعه ملل تعیین و به ژنورسپا رشم را این اولین دفعه و متأسفانه تنها دفعه ای بود که یک بانوی ایرانی عهده دار مأموریت سیاسی در خارج گشته است. اما امیدوارم که در آینده نزدیکی زنان ایران که در آینده نزدیکی زنان ایران که برخی از آنها اکنون هم قابلیت آن را دارند موفق به ورود در خدمات سیاسی هم بشوند و خصوصاً بعد از تحمیل تساوی سیاسی شرکت شایانی در امور سیاسی کشور بنمایند.

۴- علاوه بر شرکت در نهضت و پیشرفت زنان چه فعالیت اجتماعی دیگری داشته اید؟

از موقعی که "بنگاه حمایت زندانیان" از طرف وزارت دادگستری تشکیل یافت این جانب عضویت هیئت مدیره آن را داشته ام و اداره سرپرستی زندان نسوان تهران به عهده من بوده است و برای تربیت

اخلاقی و بالابردن سطح و معلومات و آشنا نمودن آنها به حرفه‌ها می‌که در زندگی به کار آنها می‌خورد کلاسهای برای کارهای دستی برای آنها تشکیل داده‌ام، که مدت دو سال است در جریان می‌باشد. در سال ۱۳۲۲ که "انجمن فرهنگی ایران و شوروی" تشکیل گردید، به عضویت هیئت مدیره آن انتخاب شدم و علاوه بر آن منشی کمیته موسیقی و تئاتر و سینمای آن انجمن می‌باشم. در "حزب زنان ایران" که در سال ۱۳۲۲ تشکیل گشت سمت عضویت دبیرخانه و منشی گری را عهده‌دار می‌باشم و همچنین عضو "انستیتوی ایران و انگلیس" نیز می‌باشم.

در خاتمه بیخاطر خوانندگان میرساند که یا نود دکتر رضا زاده سیاح عشق و علاقه زیادی به موسیقی دارند و اوقات بیکاری خود را صرف آن می‌نمایند. شاعری و نویسنده هم می‌باشند و تا کنون مقالات زیادی راجع به ادبیات خارجه در مجلات مسکو و تهران نگاشته‌اند.

مجله عالم‌زنان، سال اول، شماره ۷، دیماه ۱۳۲۳

منبع: نقد و سیاحت، محمد گلبن

مما حبه مجله عالم‌زنان با دکتر فاطمه سیاح در باره مسافرت ترکیه و وضع حقوقی زنان ترک

در ساعت ۴ بعد از ظهر روز چهارشنبه بر حسب وقت قبلی پروفیسور فاطمه سیاح جوخانم‌ها جرئت‌بیت را در منزل شخصی خانم سیاح ملاقات کردم. طی محابه گرمی که با ایشان به عمل آمد مطالبی مورد بحث و سؤال واقع شد که برای مزید اطلاع خوانندگان محترم عیناً "درج می‌شود:

۱- مقصود از مسافرت شما به ترکیه چه بود و به چه ترتیب انجام شد؟

حزب زنان ایران در صدد برآمد بود که برای برقراری روابط مستقیم با زنهای ترکیه و ایجاد مناسبات دوستی و تماس با آنها و همچنین برای مطالعه در اطراف پیشرفت زنان و موسسات فرهنگی و اجتماعی آنان در کشور دوست و همسایه یک هیئت نمایندگی به ترکیه بفرستد. این پیشنهاد به سفارت ترکیه گوشزد گردید و یا جناب آقای سفیر ترکیه در ایران مذاکره به عمل آمد. سفارت ترکیه طی نامه‌ای این فکر را با خوش بینی تلقی کردند و اطلاع دادند که دولت ترکیه این هیئت را رسماً "دعوت می‌کند که در مدت توقف در ترکیه مهمان آن دولت باشند و حزب زنان ایران نیز دونفر را به نمایندگی برای رفتن به آنکارا فرستادند.

۲- دولت و جامعه ترک چگونه از شما پذیرایی کردند؟

می توان گفت که پذیرایی دوستانه ای که در محیطی بسیار صمیمی از ما به عمل آمدند تنها تشا نه علاقه ای بود که جامعه ترک به نمایندگان "حزب زنان ایران" نشان داد بلکه می توان از آن به درجه علاقه مندی آن ملت به ملت ایران بخوبی پی برد و پذیرایی با شکوهی که در آنکارا و چه در استانبول از ما به عمل آمد نشان می داد که دولت و ملت ترکیه صمیمانه به همکاری و همفکری با دولت و ملت ایران علاقه مند می باشند. در مدت ۱۴ روز اقامت در آنکارا، "در آنکارا پالاس" که از بزرگترین و باشکوه ترین مهمانخانه های آنکارا است از طرف دولت ترکیه از ما پذیرایی شد و مطابق برنامه ای که از طرف دولت ترکیه معین شده بود در این مدت به بازدید بنگاه های مختلف فرهنگی و بهداشتی و موسسات خیریه که هر یک به نوبه خود شرقیات و پیشرفتهای شایان تقدیر ملت ترک را نشان می داد می رفتیم. در مدت اقامت در آنکارا از طرف انجمنها و موسسات فرهنگی و ادبی میهمانی هایی به مناسبت مسافرت ما به ترکیه داده شد و اقامت ما در آنکارا با عید بزرگ جمهوریست ترکیه گردیده و در آن روز از طرف دولت به رژه دعوت شدیم و همچنین در شب نشینی بزرگی که از طرف رئیس جمهور داده شد شرکت کردیم و به حضرت عصمت اینونو معرفی شدیم.

روز ۱۵ آن بان، پس از ۱۴ روز اقامت در آنکارا، عازم استانبول شدیم. در روز حرکت از طرف وزیر خا رجه ترکیه پذیرایی گرمی به عمل آمد و خواهش کرد تدک که در استانبول هم حتما میهمان دولت ترکیه باشیم.

در استانبول از طرف عده زیادی از افراد ایرانی وعده ای از بانوان ترک مراسم پیشوازه را بستگاه حیدریا تا به عمل آمد و در میهمانخانه که "پهرا پالاس" منزل کردیم و در مدت اقامت خود در این شهر به بازدید بنگاه های فرهنگی و بهداشتی و همچنین بنا ها و قصرهای تاریخی رفتیم و در این مدت میهمانیهای زیادی به مناسبت مسافرت ما به استانبول داده شد.

۳- وضع حقوقی زنان ترک از لحاظ سیاسی و اجتماعی چگونه است؟

زنان ترک از ۱۹۲۵ موفق شدند تمامی حقوق اجتماعی و سیاسی کامل به دست بیاورند. در ۱۹۲۶ تساوی حقوق در ازدواج و طلاق و ارث و در ۱۹۳۱ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انجمن شهرداری و در ۱۹۳۵ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجلس شورای ملی به آنها داده شد.

بنا بر این از ۱۹۳۵ زنان ترک با مردان تساوی حقوق کامل یافتند و فعلاً "زنان ترک در کلیه رشته‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دوش به دوش مردان در راه سعادت و ترقی کشور خود می‌قدمی باشند."

۴- زنان ترک از زنان ایران از لحاظ فرهنگ جلوترند یا نه و طرز فکر و تعلیم و تربیت آنها چگونه است؟

اگر بخواهیم زنان دانشمند و روشنفکر ترک را در برابر زنان روشنفکر و تحصیلکرده ایران مقایسه کنیم هیچ فرقی از حیث روشنفکری و استعداد در ترقی و تعالی در بین آنها مشاهده نمی‌شود. اما نکته قابل ملاحظه در این است که عده زنان تحصیلکرده ایرانی قزونی دارد. در ترکیه زنان در کلیه رشته‌های اجتماعی و سیاسی شرکت دارند و پزشکان و ادیبان و نویسندگان و وکلای عدلیه و قضات زن فراوان است.

بدون تردیدی از علل مهم پیشرفت زنان ترک داشتن تساوی حقوق است که راه را برای شرکت آنها در امور مختلف باز کرده و تشویق بزرگی برای ترقی فرهنگی آنها برده است.

طرز فکر و تعلیم و تربیت آنها می‌توان گفت کاملاً غربی و اروپایی است و زنان ترک برای پیشرفت خود و در نتیجه کشورشان با نوان روشنفکر غربی را در روش خود سرمشق قرار داده‌اند و ملی دربار به صنایع ملی و احیای هنرهای کهن با تاریخ آنها بستگی دارد از برنام‌های سیاسی دولت ترکیه پیروی می‌کنند.

۵- چه فعالیتی برای نزدیکی روابط زنان ایران و ترک در این مسافرت کرده‌اید؟

برای شناختن زنان ایران به ملت ترک و نزدیکی آنان به یکدیگر چندین بار از طرف ما در ادیو و مجالس سخنرانی شد، مثلاً در یکی از میهمانی‌ها که از طرف زنان روشنفکر آنکارا در "آنکارا پالاس" داده شد پیاپی حزب زنان ایران به خواهران ترک به صورت خطابه از طرف خانم سیاح ایراد شد. پیام مزبور در تمام جرائد ترکیه نقل شد و انعکاس نیکویی بخشید. خانم تربیت نیز در این جلسه نطق مفصلی درباره تمدن ایران و نهضت بانوان ایرانی به زبان ترکی ایراد کردند. همچنین در نتیجه مصاحبه با خبرنگاران روزنامه‌ها و آمیزش با بانوان روشنفکر و دانشمند ترک و نوشتن مقالاتی در روزنامه‌های مهم پایتخت و سخنرانی‌هایی که چه در آنکارا و چه در استانبول از طرف ما داده شد کمک زیادی به منظور بالابردن عمل آمده.

ع از بر خوردن با جامعه ترک چرخا طره‌هایی دارند و چارمغانی از این مسافرت برای زنان ایران آورده‌اید؟

زنان ترک از حیث فرهنگ و تمدن پیشرفت بسیاری داشته‌اند و می‌توان گفت که کاملاً به اهمیت حقوق خود پی برده‌اند و اکنون که به آنها تساوی حقوق داده شده‌کوشش می‌کنند که آن طوری که با یهود و مسلمانان به کشور و فرهنگ خود کمک کنند و در جامعه خود عضو مفیدی باشند. درحقیقت زنان ترک را می‌توان نمونه برجسته‌ای از زنان وطن پرست و متعهد دنیا دانست و تصور می‌کنم این خوددلیل روشنی بر ضد عقیده کسانیکه با آزادی و تساوی حقوق زنان با مردان مخالفت می‌باشد و نشان می‌دهد که اگر به زنان اجازه شرکت در امور مختلف داده شود بخواهی قدر آن را دانسته سعی می‌کنند از آن سوء استفاده نکنند، بلکه ثابت کنند که زنان نیز می‌توانند دوش به دوش مردان در راه تعالی و ترقی کشور و فرهنگ خود پیش روند و این نتیجه به عقیده من بهترین ارمغانی است که هم برای زنان و هم برای جامعه خود آورده‌ایم.

بانو

سال دوم، شماره ۱۲، آذرماه ۱۳۲۵

منبع: نقد و سیاحت، محمد گلبن

خانم، اگر به مجلس شورای ملی رفتید چه خواهید کرد؟

سوالی که مجله وزین "بانو" مطرح کرده به نظر من بسیار مفید و بجا است بخصوص که در این روزها مسئله تساوی حقوق زن و مرد مورد گفتگو است. من سعی می‌کنم در اینجا به طور کلی پاسخ دهم یعنی به جای بیان نقشه شخصی خود، وظایف هر یک از زنان نماینده را تشریح نمایم به نظر من این طور صحیح تر است.

مسلم است که افکار اشتباهات مقلدین گذشته و تفکر پرهیز از آنها کار بیهوده‌است. بنابراین در اینجا فقط کارهایی را که باید کرد بیان می‌کنیم و از آنچه نباید کرد می‌گذریم.

۱- لازم است خاطرنشان کرد که زنان نماینده مسئولیت مهمی به عهده دارند، زیرا نخستین زنانی هستند که در تاریخ ایران مورد اعتماد ملت

قرا ر گرفته و به نما یندگی آنها انتخاب می شوند و با ید ثابت کنند که شایسته این اعتماد هم میهنان خود هستند. نخستین زنان نما ینده باید ارا ده خستگی تا پذیر و درستکاری کاملی را واجد باشند. زیرا آنها نما ینده تمام زنان ایرانی محسوب می شوند و در داخله و خارج از روی آنها زنان ما را خواهند سنجید.

۲- به همین دلیل انتخاب کنندگان در مورد زنان مزد و کالست بیش از مردان متوجه خواهند بود که جنبه اخلاقی و همچنین روشنفکری و خبرگی آنها در امور اجتماعی محرز باشد تا وظیفه بزرگی را که در مجلس شورا دارند به خوبی انجام دهند.

۳- باید دانست که در نخستین انتخابات، زنان اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل خواهند داد. حتی در کشورهای بی که زنان سالهاست حقوق خود را به دست آورده اند تعداد نمایندگان قابل ملاحظه نیست ولی کیفیت آنها برعکس کمیتشان بر آقایان رجحان دارد. برای آنکه قلت تعداد خود را در قبال مردان جبران کنند باید اتحادشان پیش از آنان باشد. حتی اگر متعلق به احزاب مختلفی باشند باید در مجلس فرقه (فراکسیون) زنان را واحدی برای اشتغال به مسائلی که صرفا مربوط به منافع زنان و کودکان است تشکیل دهند. این فرقه برای مادر درجه اول اهمیت قرار دارد. زیرا آنها هستند که باید مجلس را وارد به تجدید نظر در قوانین اجتماعی کرده و ناروائیهای را که در طی قرون متمادی در حقوق مادری، همسری و ارث زنان ایرانی شده جبران نمایند.

و همین "فرقه زنان" است که باید نقش موثری در قانوبگذاری و اداره امور اجتماعی، بهداشت همگانی، آموزش، حمایت مادران، ناتوانها، کودکان و غیره بازی کند.

بنابراین برای آنکه نیرویشان پراکنده نشود زنان نما ینده باید فرقه متحدی ایجاد کرده در مرحله اول به مسائل مربوط به پروراندن، زیرا در مورد مسائل مربوط به رزش مساوی و زحمات آنها به خوبی معلوم می شود.



در مورد روش آنها در امور سیاسی و اقتصادی مطلقا بدون شک هر کدام وابسته به برنامه و مرام حزب خود خواهند بود و همکاری خاصی در این مورد بین زنان نخواهد بود و از خط مشی آقایان نمایندگان پیروی خواهند کرد.

ولی در هر حال این موضوع مسلم است که زنان در فرقه‌های پیشروتر شرکت خواهند نمود زیرا احزاب ارتجاعی نامزنان را ضمن نامزدهای نمایندگی خود نخواهند برد، اما زن‌ها که هرکدام پیرو برنام‌های جداگانه‌ای هستند باید در فکرتا مین مصالح حزبی خود با شنیدن آنکه چون آلت بیلا را داده‌ای در دست سایر نمایندگان قرار گیرند، و از منافع فردی کسی حتی رهبر ما حمايت نکنند.

باید حس انتقادی تنیدی داشته باشند و با کمال خلوص نیت و آزادی صدای خود را به گوش همه برسانند، زنان نماینده کمتر تحت تاثیر تحریکات و دسائس قرار میگیرند و در فعالیتها را ده و پشتکار بیشتری نشان خواهند داد.

بعلاوه آنها باید باعث همکاری بین احزاب ترقیخواه بشوند زیرا فرقه‌زنان که زنان احزاب مختلف را متحد کرده به طرف همکاری در امور اجتماعی سوق میدهد عکس العمل سریعی در سایر مسائل سیاسی خواهد نمود. لذا نقش زنان در مجلس علاوه بر جنبه سیاسی باید دارای جنبه اخلاقی باشد. آنها باید علاقه‌گامی به اصلاح قوانین ناحق و عملیات سوء در مورد مسائل حیاتی ملت و آموزش و بهداشت همگانی نشان دهند و مساعی خود را برای ایجاد فرقه‌زنان در راه اصلاح امور مزبور صرف کنند و نمونه‌ای برای سایر فرقه‌های احزاب سیاسی باشند.

بالاخره با درستکاری شخصی، راه‌ه قوی و روح اخلاص، زن نماینده باید سرمشق مردان باشد و فقط به این طرز ممکنست که با وجود قلت عدده زنان نفوذ کاملی بر نمایندگان مردم مجلس شورای ملی پیدا کنند.

توضیحات :

۱- مجله "عالم نسوان" یکی از نشریات متعددی بود که در خرداد سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۱۴ شمسی در تهران، شهر آزوا صفهان انتشار می یافت. از این دوران می توان به عنوان اولین دوره شکوفایی سازمانها و نشریات مستقل و خودجو زنان نام برد که با تعطیل آخرین سازمان مستقل زنان بنام "جمعیت زنان طرفدار حقوق بشر" توسط رضا شاه در سال ۱۳۱۱، و افتتاح کانون بانوان در سال ۱۳۱۴ توسط وی، به پایان رسید. "عالم نسوان" متعلق به انجمن فسیسارغ-التحصیلان مدرسه دخترانه آمریکائی‌ها بود. در این مجله، علاوه بر مسائل

بهداشتی، خانه‌داری و مدلباس، اخبار جنبش بین‌المللی زنان و انتقاد از موقعیت زنان در ایران نیز به چاپ می‌رسید. انتشارات این مجله پس از ۱۴ سال به دستور رضا شاه و بدلیل مخالفت وی با مقالات انتقادی آن، متوقف شد.

۲- دومین دوره شکوفایی سازمانها و نشریات مستقل و خودجوش زنان سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۱ (یعنی از زمان کناره‌گیری رضا شاه از سلطنت و به‌روی کار آمدن محمدرضا شاه) بود. نشریات "بیداری ما"، "عالم زنان" و "بانو" در این دوران منتشر می‌شدند. مجله "بیداری ما ارگان" تشکیلات زنان ایران "بود که بخش زنان حزب توده را تشکیل میداد. این مجله در سال ۱۳۲۳ انتشار یافت و در مطابقت با سیاستهای آن دوره حزب توده به دفاع از حقوق زنان و انتقاد از افکار عقب افتاده ملاها می‌پرداخت - در این دوران مرکزیت "کانون بانوان" به عنوان تنها سازمان زنان مورد قبول دولت به تدریج از بین رفت و بسیاری از اعضای آن به فعالیتهای مستقل پرداختند.

"عالم زنان" و "بانو" از جمله نشریاتی بودند که توسط اعضای سابق "کانون بانوان" منتشر می‌شدند. عده‌ای از این زنان به ایجاد سازمانهای مستقل زنان پرداختند و حزب زنان "یکی از آنها بود." حزب زنان "در سال ۱۳۲۲ در تهران تشکیل شد، از اهداف عمده آنان مبارزه برای سوادآموزی، استقلال اقتصادی و شرکت در امور اجتماع برای زنان بود. این حزب با دیگر سازمانهای زنان از جمله "تشکیلات زنان ایران" بر سر مسائل زنان همکاری می‌نمود.

برای کسب اطلاعات در مورد نشریات "عالم نسوان"، "بیداری ما"، و "حزب زنان" به کتاب زیر مراجعه کنید:

Eliz Sanasarian, The Women's Rights Movement in Iran, (New York: Praeger; 1982).

صفحات ذکر شده از نشریات "عالم زنان" و "بانو" را در کتاب زیر می‌توان یافت.

نقد و سیاحت: مجموعه مقالات و تقریرات دکتر فاطمه سیاح

بگوشش: محمد گلبن، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۴.

هدف از کرونولوژی "نیمه دیگر" جمع آوری مرتب اخباری است که از پس از بهمن ۱۳۵۷ مستقیماً "مربوط به وضع زن در ایران می شود، در چند شماره نخست به سالهای اولیه می پردازیم و از آن پس امیدواریم تمام اخبار ماچین انتشار دوشماره را در هر شماره ابراهه کنیم، تنظیم کرونولوژی این شماره از آن طریق است.

کرونولوژی نیمه دیگر

۴ آذر ۱۳۵۸

کنفرانس "کمیته همبستگی زنان" در پلی تکنیک تهران در زیر نور شمع برگزار گردید. صحبتها و سخنرانیهای این کنفرانس عمدتاً در اعتراض به قانون جدید خانواده و قانون اساسی پیشینهای مجلس خبرگان بود. در پایان این کنفرانس قطعنامه زیر مورد تأیید قرار گرفت:

۱- زنان ایران چون گذشته مبارزه خود را جدا از مبارزه زحمتکشان و خلقهای ایران برای رهایی از قید وابستگی و اسارت به امپریالیسم نمی دانند.

۲- مبارزه در جهت برقراری آزادی دموکراتیک در ایران از مبارزه ضد امپریالیسم جدا نیست و تنها از طریق برخورد آزادانه افکار و عقاید و پدید آوردن زمینه لازم جهت رشد آگاهی توده ها و افشای ماهیت امپریالیسم و نحوه عملکرد آن پیروزی مبارزات آزادی خواهانسه و استقلال طلبانه مردمان ایران میسر خواهد شد.

۳- مجموعه قوانینی که ما خواستار آن هستیم باید در قالبی "کاملاً" دموکراتیک و آزادی بخش با حفظ حق حاکمیت ملی برای کلیه زحمتکشان این سرزمین و تأمین کننده حقوق کاملاً مساوی مردان و زنان ایران باشد.

۴- ما خواهان افشا و لغای کلیه قراردادهای اقتصادی نظامی و فرهنگی با کشورهای امپریالیستی و در راستای آنها با امپریالیسم آمریکا می باشیم.

۵- ما خواهان تصفیه کلیه ارگان های حکومت از عوامل امپریالیسم

و افشای نام آنها هستیم.

۶- ما خواهان تجهیز و آموزش نظامی زنان و مردان برای مقابله با تجاوزات و تهدیدات امپریالیسم هستیم.

۷- ما خواهان لغو قوانین مربوط به تعدد زوجات، ازدواج منقطع (صیغه) و حق طلاق یکطرفه هستیم.

۸- ما خواهان تضمین حقوق در مورد ولایت فرزندان برای مسادران و پدران بطور مساوی هستیم.

۹- ما خواهان تامین حقوق کامل سیاسی در اداره امور مملکت از راس تا پایه با برادرانمان هستیم که در هیچ جای آن جنسیت دلیل انتخاب و یا عدم انتخاب نباشد.

۱۰- ما خواهان حقوق برابر در خانواده و اجتماع بعنوان نخستین قدم در راه کسب آزادی و برابری اجتماعی زنان هستیم.

۱۱- ما خواهان امکانات آموزشی رایگان در تمامی رشته‌ها بدون هیچگونه تبعیضی هستیم.

۱۲- ما خواهان بازپس دادن حق قضاوت ب زنان و رفع تبعیض جنسی در انتخابات آزادانه شغل و حرفه بر اساس توانائی‌ها و لیاقت‌ها هستیم.

۱۳- ما خواهان برقراری امکانات رفاهی از قبیل مهد کودک و... در محیط کار برای زنان کارگر و کارمندان هستیم.

۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸

رئیس‌جمهور قانون اساسی جمهوری اسلامی

۲۸ آذر ۱۳۵۸

یک زن فاحشه در احوال اعدام شد.

۱۵ دی ۱۳۵۸

قانون زنان سازمان آب منطقه تهران نسبت به لغو تعطیل روزهای پنجشنبه اعتراض کرد.

۱۷ دی ۱۳۵۸

در اردبیل یک زن به نام فریده باائی به جرم زنا محضمه و بیکار اعدام شد.

۱۴ بهمن ۱۳۵۸

از طرف وزارت بهداشت پوشیدن "یونیفرم اسلامی" برای پرستاران و بهیاران و سایر کارمندان زن وزارت بهداشت الزامی اعلام شد.

۱۵ و ۱۶ بهمن ۱۳۵۸

"جامعه زنان انقلاب اسلامی" سمینار دوازده‌ای درباره حقوق زن برگزار کرد. در قطعنامه‌های این سمینار از دولت خواسته شد که تمام موانع راه شرکت فعال زنان در امور اجتماعی رفع شود و از زنان خواسته شد که علیه اعتیاد و فحشاء و بی‌خانمانی زنان مبارزه کنند.

۱ اسفند ۱۳۵۸

دایره مبارزات با منکرات اعلام کرد که "در صورت تداوت و تشکیل خانواده‌های خارج زنان فریب خورده را تا مین می‌کند و در صورت عدم توجه به اخطار این دایره مبنی بر ترک عمل خلاف انسانی آنها را به دادگاه انقلاب اسلامی تحویل می‌دهد."

۱۷ و ۱۸ اسفند ۱۳۵۸

به مناسبت روز جهانی زن از جانب اتحاد ملی زنان و شورای همبستگی زنان مراسمی در دانشگاه تهران برگزار شد.

۲۴ اسفند ۱۳۵۸

انتخابات نخستین مجلس شورای اسلامی، دوازدهمین زن در میان ۲۱۲ نمایندگان مجلس انتخاب شدند.

۱۰ فروردین ۱۳۵۹

دختری که از یکی از گروه‌های آمریکایی حامله بوده دست برداشته شد.

۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹

مصادف با روز تولد فاطمه زهرا، این روز از جانب خمینی و حزب جمهوری اسلامی به نام روز زن اعلام شد. زنان هوا و حزب تظاهراتی در مقابل سفارت آمریکا برگزار کردند. از جمله شعارهای این تظاهرات: ای زن به‌تو ز فاطمه این گونه خطاب است. ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است.

اسلام مکتب ماست، حجاب سنگر ماست

۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۹

اعظم طالقانی، از اعضای هیئت اجرایی جامعه زنان انقلاب اسلامی در اجتماع نمایندگان زنان در تابلند - کنفرانس سازمان ملل در رابطه با دهه زن - شرکت کرد.

۲۰۲ خرداد ۱۳۵۹

بیش از ۵ دختربی حجاب در او میمه به ضرب چاقو مجروح شدند.

۱۰ خرداد ۱۳۵۹

در یک مصاحبه مطبوعاتی ورا دیووتلوویزیونی در او میمه با هنرگفت "حجاب در اسلام به صورت ارشادی مطرح است و بهیچوجه تحمیل وجود ندارد."

۱۰ خرداد ۱۳۵۹

عده ای از بازاریان بوشهرا ز فروش جنس به زنان بی حجاب خودداری کردند.

۲۰ خرداد ۱۳۵۹

طی یختنای به کارمندان زن وزارت دادگستری ابلاغ شد که موظفند "بدون هیچگونه آرایش و بایوشتی ماده و اسلامی در محل کار خود حضور یابند."

۲۳ خرداد ۱۳۵۹

حاکم شرع تنکابن همراه با گروهی از مخالفان به عنوان اعتراض به مسافری بی حجاب دست به راه پیمایی زدند. راه پیمایان از مخالفان خواستند که از این پس به مسافران بی حجاب کالا نفروشد. در غیر این صورت مخالفانها به مدت سه روز تعطیل خواهند شد.

۳ تیر ۱۳۵۹

روزنامه "جمهوری اسلامی" طی مقاله مفصلی مدعی شد که "اخیراً اسنادگرانهای به دست ما رسیده است که رژیم آمریکائی و فاشیستی شاه مخلوع طرح گسترده ای برای نابودی حجاب در ایران تهیه و آماده اجرا نموده یوده است... توجه داشته باشید که کشف حجاب حلقه ای از سلسله زنجیر توطئه های یوده است که امپریالیسم همواره در کشورهای اسلامی به دنبال آن یوده است."

۸ تیر ۱۳۵۹

دستور "انقلاب اداری" از جانب خمینی صادر شد. به مثابه جزئیاتی از "پاکسازی ادارات از آثار طاغوت" از زنان خواسته شد که بارعایت "ضوابط و شعائر اسلامی" بوسرکار خود حاضر شوند.

۱۰ تیر ۱۳۵۹

دادگاه انقلاب ارتش اعلام کرد که از ورود زنان کارمندان ارتش بدون پوشش اسلامی به مراکز نظامی جلوگیری می شود.

۱۲ تیر ۱۳۵۹

بر اساس بخشنامه‌هایی که از سوی وزارتخانه‌ها و سازمانهای مختلف صادر شد از ۱۴ تیر رعایت پوشش اسلامی در کلیه ادارات الزامی شد.

۱۴ تیر ۱۳۵۹

نخستین روز اجرای "طرح پوشش اسلامی" در ادارات و موسسات دولتی، تظاهرات زنان در مقابل نخست‌وزیری علیه حجاب اجباری جامعه زنان انقلاب اسلامی طی پیامی به "خواهران معتقد و متعهد" و مسئولین مملکتی "بر اجرای تدریجی و تقویم با روشنگری حجاب تا کید کرد و خواستار استفاده از پوششی در ادارات و جوامع گردید که "مشخص کننده عفت و تقوا" باشد.

۱۵ تیر ۱۳۵۹

در مرکز هیئت پاکسازی و سالم سازی ادارات در تهران سمینار بگروه‌های درباره "حجاب زن" برگزار شد. از جمله سخنرانان این سمینار را عظم طالقانی و زهرا رهنورد بودند. در قطعنامه پایان این سمینار از مسئولین امر خواسته شد که:

۱- با تکیه صرف روی حجاب سایر ابعاد عمیق صحبت امام را در زمینه‌های طاغوت زدائی مسکوت نگذارند و مسائل دیگر مانند باقی‌بست بورکراتیک ادارات، کم‌کاری، کارشکنی، بدرفتاری با ارباب رجوع، اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران، کاذب‌سازی و عدم تصفیه مدیران و روسای طاغوتی را نیز در نظر داشته باشند.

۲- از آنجا که حامل فرهنگ طاغوتی هم مردان و هم زنان جامعه هستند جدا با بسیج را دیوتلو و بیرون و مطبوعات در جهت ارشاد و در سطح محیط کار و خانواده و جامعه اقدام به عمل آید.

۳- پوشش و رعایت عفت هم در مورد زن و هم در مورد مرد مورد نظر اسلام است و باید در هر زمینه تا کید شود.

۴- برای پوشش باید حداقل و حدنصابی تعیین گردد و بدین ترتیب که حداقل لباس‌های پوشیده‌اصولی و غیرمجدوب کننده و بدون آرایش، در سطح کشور اعم از محیط کار و خیابان‌ها و سایر اماکن عمومی حدنصاب پوشش ویژه اسلامی است. پایگاه مبارزه با استعمار و دستور مکتب و خواست شهیدان و امام است و احباء کننده ارزش‌های زن می باشد.

۵- لباس‌هایی که نما بینگر محرمیت‌های پنهان زن و مرد است به سرعت از انظار جمع شود و در اماکن مخصوصی توسط خانم‌ها برای خانم‌ها و برای

آقایان فروخته شود.

ع- این فرصت را غنیمت شمرده و یادآور می شویم که هر چند حقوق زن در اسلام دقیقاً " رعایت شده اما متأسفانه به علت برداشت های غلط و بیاساس فرصت طلبی های فردی بشکل های نامعقول بمرحله اجرا درمی آید. تا آن حد که بزنان ظلم شده و چه بسیار کانون های خانوادگی که در هم ریخته بدین جهت از مسئولان می خواهیم که در این زمینه جدا و سریعاً اقدام نمایند، تا خدا انقلاب و دشمنان دوست نمای ملت و دشمنان اسلام با حمایت های حیل و گرانده خود از زن او را آلت دست قرار ندهند.

۲- در خاتمه از برادران و خواهران می خواهیم که خود برای همگام شدن با انقلاب، به مطالعه و شناخت مبانی اسلام و مبارزات نمایند که شناخت هو و سپردن بدان از ویژگی های شرافت انسان است.

والسلام

۱۵ تیر ۱۳۵۹

حسن حبیبی سخنگوی شورای انقلاب متن اعلامیه شورای انقلاب در مورد رعایت پوشش اسلامی در دستگاه های دولتی را به این شرح اعلام کرد:

بسمه تعالی

استقبال خواهران مسلمان از پوشش اسلامی در ادارات دولتی و در سطح جامعه که مضمون رهنمود قاطع حضرت امام و خواسته است مسلمانان است باید بر دیگر نموداری از تقوی انقلابی زنان جامعه ما را در معرض دید همگان گذارد شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران ضمن ابراز سیاست از همه کسانی که در این لحظات حساس وظیفه اخلاقی و انقلابی خود را در برابر افتاد و عملاً " مقاومت خود را در برابر توطئه های دشمن نشان داده اند برای تاکید برای مقررات اسلامی و ایجاد هماهنگی و حفظ نظم و انضباط اداری به کلیه مسئولان دولتی ابلاغ می کند که نسبت به موارد زیر اقدام فوری بعمل آورند.

۱- به کلیه خواهران شاغل در ادارات دولتی ابلاغ گردد که در نحوه پوشش ضوابط اسلامی را در محل کار مراعات کنند.

۲- در صورت مشاهده تخلف از موارد آنان به محل کار جلوگیری کنند.

۳- در صورت اصرار بر تخلف مختلف را بخاطر مرپیچی از دستور اداری مورد تعقیب قانونی قرار دهند مسئولان موظفند افراد متعهدی را برای موارد بالا تعیین کنند و از دخالت اشخاص بی مسئولیت در این امور

جلوگیری نمایند.

بنی صدر، رئیس جمهور، با صدور اعلامیه‌ای ابراز داشت "اینک فرصتی است برای همگامی با پوشش در جهت انقلاب معنوی ... یکسانی جستن با مردم مسلمان و تلاش برای ایجاد جوتفا هم و بسط معنویت در محیط کار را بجا می‌کنند که بانوان کارمند در محیط کار موافق ضوابط اسلامی لباس بپوشند ... با توجه به عقیده به مقام والای زن و توجه به رشد و تعالی زن از عموم بانوان کارمند دعوت می‌کنم از روی کمال میل و با اعتقاد با پوشش اسلامی در محل کار خود حاضر شوند ... رجاء و اشق دارم که بانوان گرامی این اقدام را یک عمل انقلابی در جهت پیشبرد انقلاب اسلامی تلقی کنند."

۱۵ تیر ۱۳۵۹

قدوسی دادستان کل انقلاب طی اطلاعیه‌ای به تمام وزارتخانه‌ها و موسسات ادارات شدیداً "اخطار کرد" چنانچه اثری از آنچه مورد تأکید حضرت امام و خواسته ملت ایران است از ساعت ۸ صبح ۱۷ تیر ماه سال جاری به بعد در ادارات دیده شود، با بانوی کارمند بدون پوشش اسلامی در محل کار خود حضور یا بدبلادرنگ حقوق و مزایای او قطع خواهد شد ... ضمناً "پس از ارائه فرم لباس کار اسلامی بانوان که شورای انقلاب و ریاست جمهوری در آینده نزدیکی طرح آن را ارائه خواهند داد، لباس برای همه بانوان در محل کار یکنواخت خواهد بود ..."

۱۵ الی ۱۸ تیر ۱۳۵۹

از سوی کانون توحید سمناری تحت عنوان "زندرخانواده" برگزار شد. زهرا رهنورد، شهین اعتضادی، اعظم طالقانی، مریم بهروزی از جمله سخنرانان این جلسات بودند. مریم بهروزی در سخنان خود گفت: "همان خدایی که گفته است نماز بخوان همان خدا گفته است حجاب داشته باشید و اگر تو اسلام را بپذیرفته‌ای باید به احکام آن عمل نمایی نه این که نماز بخوانی ولی فاقد حجاب باشی. اگر اینگونه باشی بنده سلیقه‌های خود هستی نه بنده خداوند. در اسلام ۱۴ آیه در مورد حجاب آمده است. آیا برای واکسیناسیون بیماریها مثل بیماری وبا از شما اجازه گرفته می‌شود که برای حجاب اجازه گرفته شود؟ رعایت حجاب فرمان خداوند است و در اسلام وجود دارد و اسلام را با پدیده حجاب آن قبول داشت نه بی حجاب."

۱۶ تیر ۱۳۵۹

تظاهرات زنان در مقابل نخست وزیری در اعتراض به حجاب اجباری .
برخورد بین تظاهرات کنندگان و مخالفین حزب اللهی منجر به دستگیری
عددهای از زنان شد .

۱۶ تیر ۱۳۵۹

از جانب جهاد سازندگی تظاهراتی در پشتیبانی از حجاب ترتیب
داده شد . از جمله شعارهای این تظاهرات این بود :
ای خواهرها حجاب حماقت می کنیم
بی حجاب بی حجاب ریشه کنت می کنیم .

۱۷ تیر ۱۳۵۹

۱۳۱ زن از کارمندان ارتش که با لباس سیاه سرگارا حاضر شده بودند
اخراج شدند .

۱۸ تیر ۱۳۵۹

۴۳ پرستار به دلیل عدم رعایت پوشش اسلامی از بیمارستان شوکت
نفق مسجد سلیمان اخراج شدند .

۱۲۴ الی ۲۹ تیر ۱۳۵۹

یک هیئت نمایندگی از جانب جامعه زنان انقلاب اسلامی در کنفرانس
زنان سازمان ملل در کپنهاک شرکت کرد . لاله بختیار ، سخنگوی هیئت
نمایندگی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که "زنان ایرانی به انتخاب
خود چادر به سر می کنند و آیت الله خمینی هرگز دستور به انجام امری
نمی دهد . مگر آنکه انتظا ر داشته باشد مورد درخواست اکثریت مردم
است . " وی درباره مجازات سنگسار کردن را بران گفت "فسادها پدید
از جامعه زودوده و هیچ فساد بی بزرگتری از رابطه یک مرد با همسر دیگری
نیست ، بنا بر این مجازات نیز باید سنگین باشد ."

۲۹ الی ۳۱ تیر ۱۳۵۹

سمینا و حقوق زن در اسلام از جانب انجمن اسلامی زنان کارمند
برگزار شد . شهین طباطبائی در سخنرانی خود در این سمینا درباره
حجاب گفت : "حجاب باعث می شود ما ساده پوش شویم و نه به صورت عروسک
بلکه به صورت انسان مطرح گردیم . سه چیز در حجاب اسلامی باید مراعات
شود . ۱- تنها صورت و دستها می توانند نمایان باشد ، ۲- خطوط بدن زن
محفوظ باشد ، ۳- لباس نا زک نباشد ."

۱ مرداد ۱۳۵۹

طی بخشنامه‌ای از طرف آموزش و پرورش دستور داده شد که با جابجائی دبیران از این پس دبیران زن فقط در مدارس دخترانه و دبیران مرد فقط در مدارس پسرانه تدریس خواهند کرد.

۶ مرداد ۱۳۵۹

طرح روپوش مدارس دخترانه تعیین و به کلیه مناطق ابلاغ شد. علاوه بر روپوش استفاده از شلوار و روسری الزامی شد.

۷ مرداد ۱۳۵۹

رجائی، وزیر آموزش و پرورش، اعلام کرد که به علت کمبود کسادر آموزشی معلمان مرد "با رعایت ضوابط اسلامی" در مدارس دخترانه تدریس خواهند کرد.

۸ مرداد ۱۳۵۹

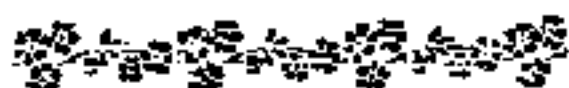
شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اعلام کرد که از این پس "به پاس احترامی که بانوان در جامعه اسلامی دارند" سرمدیف صندلیهای جلوی اتوبوسها به آنان اختصاص می‌یابد.

۲۳ مرداد ۱۳۵۹

مقبره صدیقه دولت آبادی به وسیله جراثیمیل تخریب شد.

۲۶ مرداد ۱۳۵۹

طی بخشنامه‌ای از طرف آموزش و پرورش فرم لباس، اندازه لباس، ضخامت و رنگ لباس زنان کارمند فرهنگ و دبیران زن تعیین شد. استفاده از شلوار با جوراب متناسب و روسری بلند و متناسب نیز جزئی از طرح لباس اعلام شد.



گزارشی از آخرین کنفرانس جهانی

دهه زن

زهره امجدوار

آخرین کنفرانس جهانی دهه زن تاستان امسال درناپروبی پایتخت گنیا برگزار گردید. ده سال قبل سازمان ملل متحد سالهای بین ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ را دهه زن اعلام کرده بود. اولین کنفرانس در سال ۷۵ در مکزیک برگزار گردید و نمایندگان از طرف دولت وقت ایران در آن شرکت جستند. دومین کنفرانس در اسکاتلند و یو تشکیل شد و مجدداً نمایندگان نیز از طرف دولت وقت (جمهوری اسلامی) ایران در آن شرکت کردند و در هر دو کنفرانس بر مواضع دولتها در مورد زنان تاکید نمودند. کنفرانس امسال شامل دو بخش بود، دولتی و غیردولتی. تعداد افراد شرکت کننده در کل بالغ بر ۲۵۰۰ نفر و هدف آن مطالعه و ارزیابی دستاوردهای دهه زن سازمان ملل متحد برای زنان حول موضوعات برابری، پیشرفت و صلح بود.

در بخش دولتی که نمایندگان دولتها شرکت داشتند بحث و گفتگو چیزی متجاوز از سیاست دولتها نبود. بعنوان مثال، پیشنهادهای شده بود که کنفرانس، صهیونیسم را بعنوان تهدیدی برای صلح بشناسد و اشغال ساحل غربی رود اردن توسط اسرائیل را محکوم کند و ملی کشورهای غربی به خصوص آمریکا (که رهبری نمایندگان را دخترریگان - موریسن - بعهد داشت) به این بهانه که کنفرانس باید خالی از مسایل سیاسی باشد آنرا رد کردند. و با در حالیکه کنفرانس، صلح را بعنوان یک امر حیاتی برای زنان شناخته و برایین باور است که اکثریت مهاجرینی را که به اجبار و در نتیجه جنگ ترک وطن کرده اند زنان تشکیل میدهند. در مورد جنگ ایران و عراق و اشغال افغانستان توسط روسیه شوروی - چون نظرات ضدونقیضی وجود داشت - با اصرار نمایندگان باهم کنار

آمدند و موافقتنامه مرضی الطرفینی نوشته شد.

کنفرانس با تشکیل یک جلسه دیگری تا قبل از پایان قرن موافقت کرد. اما در خارج از این بخش، کنفرانسها و جلسات بسیار متعدد گروههای غیردولتی رنگ و بوی خاصی داشت و زننده و فعال و پرهیجان بود. روزانه صدها جلسه کوچک و بزرگ در دانشگاه‌های اروپایی تشکیل میشد. وزنان در افشاکری رژیمهای سرکوبگر خود نقش عمده‌ای را به عهده گرفته بودند. تماس زنان جهان سوم با سایرین برای آشنا شدن به مسائل و مشکلات یکدیگر بسیار مفید بود. مثلاً "در حالیکه زنان غربی به سختی می‌توانستند با ورکنند که در سودان و بعضی کشورهای دیگر آفریقایی‌زنان را ختنه می‌کنند، زنان آفریقایی نیز با ویشان نمیشد که مردان غربی به کار کردن در خانه و بچه‌داری تشویق میشوند.

مبارزه برای دریافت دستمزد در قبال کار خانگی موفقیت بزرگی بدست آورد به این ترتیب که در آخرین روز کنفرانس، دولت‌ها موافقت کردند که کار خانگی را (با مزدیابی مزد) جزو تولید ناخالص ملی بحساب آورند.

طومار "کار زنان را به حساب آورید" توسط هزاران نفر امضاء شد و بخصوص از طرف زنان آفریقایی استقبال زیادی از آن بعمل آمد. قدم بعدی درخواست دستمزد برای کار خانگی بود تا دولت‌ها را وادار کنند تا از بودجه‌ای که برای خرید اسلحه استفاده می‌کنند به زنان بابت کار خانگی دستمزد بپردازند. زنان تشویق میشدند که پس از مراجعت به کشورشان در این مورد فعالیت کنند و زنان هموطنشان را تشویق نمایند تا برای مدت مشخصی از روز ۲۴ اکتبر (برابر با دوم آبان) که دهمین سالگرد اعتصاب عمومی زنان ایسلند است - اعتصاب کنند.

یکی از موضوعات اصلی کنفرانس موضوع زنان و صلح بود. در تمام گزارشات مختلف رسیده از کنفرانس از نمایندگان جمهوری اسلامی ایران (شامل اعظم طالقانی و منیردگرچی و...) نیز تذکری به میان آمده که علیرغم طرفداری کنفرانس از صلح با شعارهای "جنگ جنگ تا پیروزی" خود شرکت کنندگان را منجر می‌کردند. حتی در یک مورد نمایندگان دولتین ایران و عراق به یکدیگر لیمونا دپرتناپ کرده و با سرورویی خیس از دو در جداگاهانه وارد کنفرانس میشوند. زنسی سوئدی با دیدن این وضع میگوید لیمونا دپرتناپ است که به سرو کله هم بزنید، نمایندگان دولت ایران به بقیه نمایندگان اینجا و آنجا

توهین و ناسزا می‌گفتند و آنها را "شیطان امپریالیست" می‌خواندند. اطلاعات رسیده به ما حاکی از اینست که زنان ایرانی خارج از کشور و در حقیقت مخالفین جمهوری اسلامی نیز نمایندگانی به نام ییروبی ارسال داشته‌اند. سه نفر از انگلیس، دو نفر از آمریکا و یک نفر از سوئد، به علاوه زنان بهایی و حزب توده نیز نمایندگانی در کنفرانس داشتند.

شش نفر اول از گروه‌های مختلف سیاسی و یا مستقل بودند و در نایروبی علی‌رغم اختلافات سیاسی دارای جلسات و برنامه‌های مشترک بودند و نتیجه سفرشان را موفقیت آمیز ارزیابی می‌کردند. در موارد متعددی نمایندگان دولتی و محافظین مردان که قصد ایجاد درگیری با زنان سازمانهای غیردولتی را داشته‌اند توسط سایر زنان طرفداران نسبی می‌شوند و در یک مورد که فیلمبرداری رژیم قصد فیلم برداری از مخالفین را می‌کند با اعتراض شدید زنان دیگر مواجه می‌شود و او را از سالن بیرون می‌اندازند.

این زنان در محاسبه‌های متعدد را دیوشی به زبان فارسی و انگلیسی شرکت کرده و نتوانسته‌اند هدای خود را به دیگران برسانند. خانمی به نام نادره که از آمریکا به نایروبی رفته بود محاسبه‌ای با بخش فارسی هدای آمریکا داشته که قسمتهایی از آنرا در اینجا نقل می‌کنیم:

زنانی که از طرف دولت آمده‌اند بیست نفرند و به قصد تبلیغ به این سفردست زده‌اند مسئله اصلی آنها جنگ است. هدف آنها آشوب کردن از تجربه‌های زنان دیگر نیست، آنان صرفاً "برای مقاصد تبلیغاتی به این سفر روانه شده‌اند.... حاضر به هیچگونه بحث و جدلی نیستند و به محض شنیدن هرگونه پرسشی موضع دشمنانه‌ای اتخاذ می‌کنند، ما برای دفاع از حقوق دمکراتیک زنان ایران به نایروبی آمده‌ایم و هدف ما اینست که شرکت کنندگان در کنفرانس را از واقعیت رویدادهای ایران آگاه سازیم، از خفقانی که رژیم خمینی بر زنان ایران روا میدارد و از سرکوب حقوق انسانی زنان ایران سخن بگوییم، زنان ایران به قرون وسطی بازگردانیده شده‌اند و این زنان چادرپوش که ما را معصیت‌کار می‌دانند و حاضر به هم‌صحبتی با ما نیستند مسلماً" از شرایط حاضر در ایران خرسندند، زیرا که با رژیم در ارتباطند و مزایای بسیاری دارند که موجب خوشحالی آنهاست و برغم جوانی آنان چنان فئاتیک و مغزشوئی شده‌هستند که احساس رحمت را در شخص برمی‌انگیزند، ولی اکثریت زنان

ایرانی که محدودیت های مذهبی را به آنان تحمیل کرده اند نمی توانند خوشحال باشند. زنان ایرانی بویژه در مناطق روستایی دوش به دوش مردان در مزرعه به کار می بردند و هرگز از پوشش های بسی نظیر چادر این خا نم ها استفاده نکرده اند.

خمینی تنها به تحمیل حجاب بر زنان ایران قناعت نکرده بلکه سه سال از دواج را از ۱۸ سال به ۱۴ سال کاهش داده است. پسران و دختران را در موسسات آموزشی از یکدیگر جدا کرده اند و هم اکنون ایران با کمبود معلم زن روبرو است. زیرا که تنها زنان مجاز به تدریس در مدارس دختران هستند. برادر مدبیسوادی در میان زنان افزوده شده و با دیگر چند زنی صورت قانونی به خود گرفته و صیغه یعنی ازدواج موقت رواج یافته است. زنانی که شوهرانشان را در جنگ از دست داده اند به مراکز خاصی برده شده و آنها را به اجبار به ازدواج معلولین جنگی درمی آورند. زنان کارمند را از ادارات بیرون می کنند و آنها را وامی دارند که در خانه بنشینند و فرزندان بی وجود آورند که طعمه این جنگ بیهوده شوند. زنان را به صورت شهروندان درجه دوم در آورده اند. ما میخواهیم به دنیا نشان دهیم که در این ده سال که سا زمان ملل برای دهه زنسان تعیین کرده، نه تنها وضع زنان ایران هیچ گونه پیشرفتی نداشته بلکه بدتر شده است. زنان تحت شدیدترین فشارها هستند. خمینی تمام قوانینی که گذاشته ارتجاعی است. زنهارا از خیلی امکانات محروم کرده مسئله فقط چادر نیست بلکه مسئله ایست که تمام آزادیه های اجتماعی و دمکراتیک مردم گرفته شده و امکانات تحصیلی و شغلی زنان کمتر شده است....

تا این زمان متأسفانه هیچ گزارشی از افراد مختلف شرکت کننده در کنفرانس دریافت نکرده ایم. امیدواریم در آینده گزارشاتشان را برای درج در بخش آرشیو یا کروئولوژی نیمه دیگر بفرستند.



گزارش‌های زیر فعالیت‌های زنان ایرانی در سال گذشته بدستمان
رسیده است. از کلیه زنان ایرانی می‌خواهیم که ما را در جریان
فعالیت‌های خود و یا گروه خود قرار دهند تا بتوانیم از این پس تصویر
جامع‌تری از کمیت و کیفیت فعالیت‌های جاری زنان منعکس کنیم.



جشن روز جهانی زن در لندن

گزارش زیر در خبرنا مه‌بخش زنان کانون ایرانیان لندن آمده است.

روز جهانی زن ۸ مارس ۱۹۸۵

کانون ایرانیان لندن در روز ۸ مارس روز جهانی زن را جشن گرفت
بیش از ۲۹۹ نفر زن و مرد ایرانی در این جشن شرکت کردند.
از آنجا که یکی از اهداف کانون ایرانیان لندن مطرح کردن مسایل

زنان در میان جامعه ایرانی ساکن لندن است، در این روز فرصتی بدست آمده که در مورد بسیاری از مشکلاتی که زنان ایرانی در این دوران گرفتاران هستند روشننگری شود.

برنامه‌ها با مقدمه‌ای کوتاه در مورد تاریخچه روزهایی زن آغاز شد و به دنبال آن فیلمی از تظاهرات زنان ایرانی علیه دستور حجاب اجباری در مارس ۱۹۷۹ (۱۷ اسفند ۱۳۵۷) نمایش داده شد. پس از آن خانم حقوقدان ایرانی موقعیت زن در تاریخ قوانین شرعی و قوانین جاری ایران را بطور مفصل برای حاضرین توضیح دادند. برنامه‌ها با شعر خوانی خانم شاداب وجدی ادامه یافت و پس از آن خانم جوان ایرانی چندین قطعه با گیتار اجرا کردند. در آخرین قسمت، گروه موسیقی صبا با همکاری خانمنا هیدچسن ما را پرتوآور کرده و حاضرین را به رقص و شادمانی فراخواندند.

علاوه بر برنامه‌های ذکر شده، نمایشگاهی که از زندگی زنان و کودکان روستایی ایران ترتیب داده شده بود مورد استقبال مردم قرار گرفت. و غرفه‌های هنری زنان نیز بخش کوچکی از هنر و خلاقیت زنان را به نمایش گذاشت.

تسهیلاتی که برای نگهداری کودکان در این شب ترتیب داده شده بود برای زنان و خانواده‌هایی که فرزندان خردسال خود را به همراه داشتند این فرصت را فراهم آورد که هم خود بتوانند با خیال آسوده از برنامه‌ها استفاده کنند و هم کودکان ساعتی چند در فضای مخصوص خود به بازی و تفریح سرگرم باشند.

کانون ایرانیان لندن امیدوار است که بتوانند در سالهای آینده نیز روزهایی زن را به‌تر و کارگرانه برگزار کنند.

جزوات انتشار یافته

بخش زنان کانون ایرانیان، جزوات زیر را انتشار داده است :

- ۱- معاینه سینه‌ها برای سرطان سینه
- ۲- سپس تای تی، روش مطمئن جلوگیری از بارداری
- ۳- حقوق زنان در بریتانیا
- ۴- چگونه به فرزندان خود آموزش جنسی بدهیم.

از انتشارات زنان در آمریکا

کمیته دفاع از حقوق دموکراتیک زنان ایران در آمریکا (هسرا دار
ما زمان چریکهای فدائی خلق ایران) جزوهای درمورد ازدواج مرییم
عقدا نلو و مسعود رجوی انتشار داده است. در روی جلد این جزوه آمده
است:

هموطنان آگاه و مبارزه
زنان هوا دار مجاهدین
زنان بیدار و رها ئی طلب

بدینوسیله مراتب تحیر، شرمندگی، تاسف و انزجار خود را نسبت به
این مضحک ترین و حقارت بارترین ازدواج و طلاق، این همه فضا حت،
انحطاط و نزول ایدئولوژیک، این همه عقب ماندگی و خرافه، این همه
توهین و تحقیر در حق زن و معامله و زخوبند بر روی زنان ایران، به بار
آوردن این همه بدنامی و ابتدال برای سازمانهای سیاسی و انقلابی،
و این همه عوام فریبی و احمق پنداشتن مردم، ابراز می داریم.

در پشت جلد این جزوه آدرس پستی زیر مشا هده میشود:

ISA- WC
P. O. Box 5542
Glendale, CA 91201
U.S.A.

این جزوه شامل لیست نشریات منتشر شده توسط این کمیته و آنان که
بزودی منتشر خواهند شد:

پاره های از انتشارات و نشریات بازتکثیر شده از طرف کمیته زنان:

- ۱- زن و مبارزه
- ۲- مادر سالاری
- ۳- درباره مسئله زن
- ۴- زنان در جنبش های آزادی بخش
- ۵- درباره مسئله زن و مبارزه علیه فرمیسم، کلارا زتکین
- ۶- خاطرات من از لنین، کلارا زتکین
- ۷- زندگی نامه الکساندر کولنتای
- ۸- منشاء خانواده، مالکیت خصوصی، و دولت، انگلس
- ۹- بگذا ر سفن بگویم، خاطرات دومیتیل

- ۱۰- زن و رهاشی نیروهای تولید، علیه رفا افشا رنیا
- ۱۱- دو مقاله در باره ستمکشیدگی زن در ایران
- ۱۲- کتاب جمعه، ویژه نامه روز جهانی زن
- ۱۳- شماره های ۱، ۲ و ۳ مجله "زنان و مبارزه در ایران"

بازودی منتشر میشود:

(Women & Struggle in Iran)

- ۱- مجموع مقالات (۱)
- ۲- سری اسناد جنبش زنان (۱)
- ۳- "زن در نقطه صفر"، نوال السعداوی، ترجمه بقا رسی
- ۴- "چهره عربیان زنان عرب"، نوال السعداوی، ترجمه
- ۵- چهارمین شماره نشریه انگلیسی "زنان و مبارزه در ایران".

اهداف زنان ترقیخواه ایرانی در بلژیک

گروهی از زنان ایرانی در بلژیک گرد هم جمع شده و با تحلیلی از وقایع ایران، وظایفی برای مبارزات خود معین کرده اند. به متن زیر توجه کنید:

وظایف کنونی

علیرغم کلیه سرکوبها و تیکه جمهوری اسلامی در مورد افراد با استعداد و کلی زنان بطور خاص اعمال نموده، زنان ایران با ایدئولوژیهای متفاوت سهم مهمی در جنبش انقلابی و مبارزه بر علیه رژیم ضدبشعری جمهوری اسلامی بعهده گرفته اند، در اشکال متنوع مبارزه زنان شرکت فعال داشته اند، از مبارزه سیاسی نظامی گرفته تا مقاومت منفی، خود میبگیرا فتن را ههای شکستن جو وحشت و خفقان بوده اند، زندانهای رژیم معلوا زنانی است که در مقابل کلیه شکنجه ها مقاومت کرده و حماسه ها آفریده اند، زنانی که فرزندان شان در زندانها هستند خود مهمترین عامل افشاگری بر علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده اند. در محلات زناییکه مجبورند در صف های طویل آرزاق عمومی نیم بیشتر وقت روزانه خود را تلف کنند آموخته اند که چگونه زنان سنتی طرفدار خمینی این چشم و گوشهای رژیم را منفرد کرده و اخبار را رد و بدل کنند، زنان بزرگترین عامل مبارزه با اخبار هستند، عملکردهای انقلابیون و سرکوبهای رژیم را با اطلاع سایرین میرسانند، جا معه حساس است، کوچکترین

تحولی از چشمان دقیق مخالفان رژیم پنهان نمی ماند، علیرغم غضب کلیه وسایل ارتباط جمعی بوسیله رژیم و سانسورهای شدید مخالفین جمهوری اسلامی بویژه زنان نیز شیوه های خاص خود را بوجود آورده اند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی نشان داده است که ماهیتاً "ضدن" است. این قوانین طبقه خاصی را نمی شناسد. زن بخاطر جنسیتش در این حکومت ستم می بیند. زنان مرفه گرفته تا زنان زحمتکش بخاطر قوانین مردسالارانه تحت ستم هستند. به همین دلیل است که زنان ایران در شرایط فعلی که ستم مردسالاری را با رنگ و پوست خود احساس می کنند با پدسا زمان مستقل خود را بوجود آورده و مبارزه خاص خود را به پیش برند. تجربه پنج سال حکومت جمهوری اسلامی را اگر جمع بندی کنیم به این نتایج میرسیم که ...

قبل از بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی در راه پیمایشها با رقه هایی از تفکر ارتجاعی و واپسگرا و حجاب اجباری خود را نشان داده و همان شرایط زنان باید مسئله را جدی تلقی کرده و در مقابل آن ایستادگی میکردند. این نمونه درس عبرتی است برای آینده زنان در مطالبات برحق شان آنها باید به آینده ها مشخص واگذار کنند. این تجربه تلخ نشان داده است، هیچ نظرمیه مونا روشنی را نباید پریم، و هر مسئله در جای خودش از اهمیت برخوردار است. نباید تنها به سرنگونی رژیم دل خوش کرده و حل مسایل دیگر را ببعد واگذار نمود.

علیرغم بوجود آمدن سازمانهای متعدد زنان، این تشکلهای نتوانستند مسئله خاص خود را به پیش برند. یک عامل عدم شناخت کافی این سازمانها نسبت به مسایل زنان و اصولاً بی تجربگی و عدم شناخت از مبارزه دمکراتیک در کل جنبش بود. عامل مهم دیگر در بازداشتن این سازمانها به حرکت در جهت اهدافشان را در نقش سازمانهای سیاسی طبقاتی باید جستجو کرد. موضع گیری آنها در مورد مسئله زن جز دادن اعلامیه های در روز جهانی زن، یا نقش افاشگران زن بر علیه جمهوری اسلامی نبوده است. کلیه نوشته های آنها در رابطه با مسئله زن از کمبودها، انحرافات و عقب ماندگیهای قابل ملاحظه ای برخوردار است که علتش را باید در ریشه های تفکر سنتی دانست.

تجربه پنج سال گذشته نشان داد که زنان در عرصه مبارزه دمکراتیک و خاص خود باید مستقلاً وارد مبارزه شوند و از طریق همین مبارزه است که

آگاه‌هی یافته‌واشکالاتی که در سازمان‌های قبلی زنان وجودداشت برطرف خواهند کرد.

شرکت بخش عمده زنان سنتی در فعالیت‌های اجتماعی را نباید نادیده گرفت هرچند رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیتش خواهان متفعل کردن کامل زنان است. ولی حتی زنان حزب‌اللهی هم دیگر همان زنان آغاز قیام نیستند. هرچند شرکت آنان در مسایل اجتماعی در آغاز کورکوران‌ه و بدون آگاه‌هی بود. ولی بدلیل خروج از چهار دیواری منزل و تماس با اجتماع تغییراتی در آنها بوجود آمده است. تعدادی از این زنان به علت از دست دادن شوهر و فرزندان یا فشار اقتصادی غیرقابل تحمل، دیگر مانده و ایل قیام از فراخوان‌های رهبران اسلامی تبعیت نمیکنند. زنهایی که کورکوران‌ه مبلغ قوانین اسلامی بخصوص میفشد و چند همسری بوده‌اند در عمل منافع خود را در خطر قرار داده و تعدادی از آنها در بیمارستان‌های روانی هستند. البته بقیه درس لازم را گرفته‌اند بخصوص در اقشار جوان آنها تغییراتی بوجود آمده است. در مجموع ذهنیت اینگونه زنان نیز تغییر کرده است.

با توجه به کلید مسایل فوق ضرورت سازماندهی مستقل زنان احساس میشود. امروزه مبارزات سیاسی و فرهنگی زنان در سطح بین‌المللی توجه افرا را در آگاه‌سی را نسبت به مسئله زن جلب کرده است و با توجه به حساسیت مسئله دو درصد آگاه‌شان آمادگی فعالیت در این زمینه را از خود نشان میدهند.

در درجه اول برای سازماندهی زنان از اقشار آگاه و روشنفکران، هنرمندان، معلمان، کارمندان و زنان خانه‌دار میتوان استفاده نمود. جنبش زنان نباید بر اساس یک سری معیارهای از قبل تعیین شده حرکت کند زیرا این مسئله مانع شرکت وسیع زنان میشود. استفاده از تجارب مبارزات زنان در سطح بین‌المللی و علل موفقیت و شکست آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. البته بدون آنکه بخواهیم الگو برداری کنیم. زیرا استفاده از کلیه الگوهای موجود بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های جامعه ایران تا کنون جز شکست نتیجه‌ای نداشته است. تجربه تا کنون نشان داده است که هر جا جنبش زنان وجود نداشته و یا ضعیف بوده، قدرتهای حاکم‌نهایت استفاده را از وجود زنان تا آگاه در جهت پیش برد منافع خود کرده و آنها را در مقابل نیروهای مترقی قرار داده‌اند. نمونه‌ها زنان استفاده از زنان شیعی در زمان حکومت آل‌لنده، و استفاده از زنان حزب

اللّٰهی در حکومت جمهوری اسلامی است .

درست است که برای مبارزه بر علیه ستمی که بر زنان می‌رود باید خود
مستقلاً " وارد عرصه مبارزه شده و بتدریج سازمان مستقل خود را بوجود
آورند . ولی تنها آماده شدن شرایط ذهنی زنان و حرکتشان کافی نیست .
بلکه مردان نیز ذهنیتشان ظرفیت پذیرش "برابری زنان" را داشته یا شد
بالتبع این وظیفه زنان آگاهان است که آگاهی را در درجه اول بین
مردان سیاسی بپراکنند و بعداً بر اقشار و طبقات اجتماعی را آماده پذیرش
این مسئله نمایند .

چرا که واقعیت های گذشته نشان داده است مردانی که در سازمانهای
مختلف سیاسی فعالیت میکردند و بر علیه رژیم همبای تمام وجود خود مبارزه
میکردند در زمینه مبارزات زنان آمادگی پذیرش نداشتند . بی توجهی ،
عدم همکاری و حتی کارشکنی سازمانها نیز از همین تفکر سرچشمه گرفته
است . آنان فعالیت زنان را در سازمانهایشان کافی میدانند ، درحالیکه
زن ایرانی تجربه زن الجزایری را در مقابل چشمان خود دارد . آنها
بهمراه مردان بر علیه امپریالیسم فرانسه مبارزه کردند و پس از پیروزی
به گوشه آشپزخانه رانده شدند .

این وظیفه زنان آگاهان است که مردان هم‌زخم خود را متقابلاً زن-ست
همچنانکه در شرایط کنونی ایران مسئله ملی از اهمیت ویژه ای برخوردار
دارد ، مسئله مبارزه بر علیه ستم جنسی نیز بهمان اندازه اهمیت
سیاسی و اجتماعی دارد . آگاهی زنان به تنهایی مشکلات موجود را حل
نخواهد کرد .

مسئله دیگر همکاری با زنانی است که ایدئولوژی اسلامی دارند . این
زنان در جنبش زنان هستند و با ایدئولوژی آنها استفاده نموده با توجه
باین مسئله که دین از حکومت جدا بوده و اوست خصوصی ، انسانها حق
دارند آنرا بپذیرفته یا رد کنند . این مسئله نباید محدودیتی در مورد
مطالبات برحق زنان بوجود آورد .

برخی از سازمانها ، سازمانهای دموکراتیک زنان که در واقع وابسته
به آنها بوده و خط مشی آنها را دنبال میکنند بوجود آورده اند .
به اعتقاد ما ، اینگونه سازمانها با گذاشتن نام دموکراتیک بر خود ،
دموکراتیک نمیشوند و نمیتوانند در برگیرنده توده وسیعی از زنان بوده
و در جهت اهداف آنها کاملاً بپردازند . محدودیت های حاکم بر این سازمانها
چنانکه در گذشته تجربه نشان داده جزا اعضا همین سازمانها قادر به

جذب سایر زنان منخواه بود.

برای رهایی ازستم مردسالاری با توجه به شرایط هر مرحله و مطابق آن با یدپیشرفت، در این زمینه باید کلیه جوانب را در نظر گرفت. در حال حاضر چندین تئوری مشخص و یا برناهای درمورد جنبش زنان نرسیده اند ولی این مسئله نباید مانع حرکت ما شود.

ما جمع بندی تجارب گذشته و شرایط امروز هم میتوان حرکت کرد. در این حرکت است که امکان تصحیح و تکامل وجود دارد. واگذا رکردن این مسئله به وقتی دیگر، یا پس از حل کلیه مسائل جنبش آنوقت باید به مسئله زن پرداخت، از عدم شناخت صحیح سرچشمه میگیرد. بیان برای بری زن و مورد در برنا به کلیه سازمانهای سیاسی تنها دلیل متری بوده آنها نیست. این عملکرد آنهاست که نشان میدهد چقدر به مفهوم آنچه که در برنا به خود ذکر کرده اند پی برده اند.

به اعتقاد ما، این آگاهی چیزی در حد صفر است.

تا کنون فعالیت هایی که بوسیله گروه های مختلف زنان در خارج از کشور شده است، با وجود نیروی کم و کمبود امکانات از موفقیت قابل ملاحظه ای برخوردار شده است.

ستمگریهای حکومت جمهوری اسلامی باعث شده است که هرگونه فعالیت بخصوص در زمینه زنان با استقبال و پشتیبانی قابل ملاحظه ای روبرو شده است. کارهای تبلیغی، هنری تا کنون موفق بوده است.

مسئله عمده حس کردن ایرانیان در مورد مسئله زنان است که در این زمینه نیز فعالیت های هنری و تبلیغی بیش از سایر انواع فعالیت ها موثر بوده است. به لایزال انگاس فعالیت های انجام شده در داخل کشور جهت مبارزه با روحیه بی تفاوتی است.

عمده ترین کاری که در خارج از کشور میشود انجام داد و امکانات آن نیز فراهم است فعالیت های فرهنگی است. وجود منابع متعدد امکان تحقیق در این زمینه را فراهم کرده است و با فعالیت در این زمینه میتوان ضعف تئوریک را نیز برطرف نمود.



گزارش سیزدهمین سمینار سراسری جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج از کشور (آلمان)

سیزدهمین سمینار جنبش با شرکت حدوده ۳۰ زن از شهرهای مختلف، برلین - هانوفر - برمن - هامبورگ - گوتینگن - ویتمن ها وزن و فرانکفورت (در آلمان غربی) و بخش زنان کانون ایرانیان لندن، کار خود را آغاز کرد. در ابتدا، زنان شرکت کننده گزارشی از شهرهای خود و فرم کار و فعالیت شان بیان داشتند.

جنبش زنان:

ما سیزدهمین سمینار سراسری خود را در شهر فرانکفورت در روزهای ۱۶ و ۱۷ فوریه ۸۵ با عنوان "مسئله بلوغ" در خانه‌ی زنان برگزار کردیم. نخست کیوتا هبیانی در مورد "خانه‌ی زنان": جنبش مستقل زنان در آلمان پس از فعالیت چهار ساله خود به موفقیت بزرگی که همانا تهیه خانه‌ای برای زنان بود، نائل گشت. این خانه توسط همکاری گسترده و همه جانبه زنان جنبش در فرانکفورت با زنان حزب سبزها (Grüne) امکان بوجود آمدن یافت. این خانه که مکانی است برای رسیدگی به مسائل و مشکلات زنان ایرانی و پژوهش درباره زنان، کار خود را از ماه آگوست ۸۴ به طور رسمی آغاز کرده است.

سیزدهمین سمینار جنبش با شرکت حدوداً ۳۰ نفر از شهرهای مختلف، برلین - هانوفر - برمن - هامبورگ - گوتینگن - ویتمن ها وزن و فرانکفورت (در آلمان غربی) و بخش زنان کانون ایرانیان لندن و فصل نامه زنان "نیمه دیگر" در لندن، کار خود را آغاز کرد. در ابتدا، زنان شرکت کننده گزارشی از شهرهای خود و فرم کار و فعالیت شان بیان داشتند.

پس بحث پژوهشی سمینار با مقاله‌ای تحت نام "مسئله بلوغ و مسائل آن که هنوز با ما هستند" کار خود را ادامه داد. در این جا چکیده‌ای از مقاله را بیان می‌کنیم:

"مسئله بلوغ از جمله مسائل مهمی است که هنوز بوسیله جنبش زنان

(ایران) دست نخورده باقی مانده است و اهمیت آن را نمی توان اغراق کرد. در این دوران بیش از هر مرحله دیگر زندگی شخصیت اجتماعی یک انسان با تغییرات بدن او این همانی می شود. این دوران، دوران کشا کشاها، اغتشاشات و طوفانهای روحی و ذهنی، تغییر عقیده دائم، شکل گرفتن آرزوهای دوران جوانی، دوران خجالت کشیدن ها، عاشق شدن های پی در پی و سادگی و بی گناهی های باور نکردنی است. در این دوران است که انسان قابلیت پذیرفتن و حتی به جان خریدن ایده های بی که از او حس مسئولیت بخوانند را دارد....."

"جدا افتادگی نوجوان از اجتماع اطراف یکی از بزرگترین مسائل او را تشکیل می دهد. در حالی که در اجتماع سنتی و ساکن رفتار و عیسای نصاب پدر و مادر و دیگر افراد خانواده و آشنا با او می توانند در جذب شدن وی به بافت اجتماعی کمک کنند، در اجتماع مدرن ما، اجتماعی که در آغوش ایده های انقلابی قل قل می زند، اجتماعی که در آن حتی بزرگترها مثلاً "مهاجرین از دهات به شهر و یا از یک شهر کوچک به شهر بزرگتر خود را با اجتماع اطراف این همانی نمی کنند و گنجی خود دارند. در این محیط نوجوان می بایستی به تنهایی به دنبال معیارهای جدید و شخصیت اجتماعی اش بگردد و الگوهای جدید زندگی پیدا کند. اما رهای رسمی نشان می دهند که در سال ۱۳۵۴ جمعیت هتا ۱۴ ساله ایران حدوداً ۳۰ درصد جمعیت را تشکیل می دادند (بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - سازمان برنامه و بودجه - ۱۳۵۲ - فصل دوم - جدول ۱۳) یعنی آن که در فاصله سال گذشته و در حال حاضر (۱۳۶۳ - ۱۳۵۸) ۳۰ درصد جمعیت ایران در حال گذار از مرحله بلوغ بوده اند یا هستند، اگرچه این موضوع به خودی خود نشانگر اهمیت مسئله بلوغ است، دلیل دیگری اهمیت این مسئله را بیشتر می کند و آن این که بسیاری از جوانان (۲۰ تا ۴۰ ساله) و از جمله خود ما هنوز موفق به گذشتن از سدهای روانی دوران بلوغ نشده ایم و هنوز سرگردان به دنبال شخصیت روانی خویش می گردیم....."

"دختری که در دوران بلوغ حجب و حیا داشتن، ازدواج و بچه را از یک طرف ایده آل زندگی می آموزد و از طرف دیگر اشعار فروغ فرخزاد را هم می خواند و با ایده آل استقلال شخصیتی، بی پروایی و آزادی جنسی آشنا می شود، فیلم های آبنسره دوریس دی وراک هودسن را در تلویزیون و فیلم های چشم و گوش بندگان فردین را در سینما می بیند، پول داری و

شیکی وضع نداشتن را از " شاهنشاه و شهبانو " می آموزد و از طرف دیگر فداکاری و از خودگذشتگی و " غیرجنسی " بودن را از چریکها و مجاهدین می آموزد، از یک طرف کتاب غرب زدگی آل احمد را می خواند و از طرف دیگر سفر به خارج و درس خواندن در دانشگاههای آلمان، آمریکا،

آرزویش است و می بیند حتی فروغ فرخزاد هم آخر منتظر است " یک کسی می آید " نان و پیسی و غم و غصه را قسمت می کند (کسی که مثل هیچکس نیست، مجموعه ایمان بیا و ریدیه آغا ز فصل سردمانت شایسته رات مروا رید - ۱۳۵۳) این دختر همان زنی است که امروز سرگردان و ازهر آن چه که به او لذت بدهد می ترسد، همان زنی است که انگیزه اش در انجام هر کاری احساس گناهی است که دیگران به او داده اند و یا او به این وسیله می تواند به دیگران بدهد است، همان زنی است که می خواهد هم مادر و خانهدار خوب، هم مستقل و معروف، هم متواضع، هم تحصیل کرده و پولدار، هم طرفدار ففرا، هم انقلابی هم زیبا و لوند و هم گردن کلفت باشد هم به دنبال آزادی و استقلال زنان و هم منتظر تا عیدیه از مردان است و اصلاً فکر نمی کند که عملی شدن یکی از این آرزوها ممکن است نفسی آرزوی دیگر باشد... " در ادامه نویسنده مقاله به تغییرات بسدن (نوجوان دختر) در دوران بلوغ و باختان جنسی بدن می پردازد و در خاتمه آثاری نیز به باکرگی و قاعدگی و مشکلات و مسائل آن می نماید. (متن کامل مقاله به صورت بروشور به چاپ خواهد رسید) در ادامه بحث فرهنگی مقاله دیگری تحت نام " مسائل و مشکلات دوران بلوغ " که توسط یکی از زنان جنبش از کتاب " انقلاب جنسی " ویلهم رایش ترجمه گشته است، خواننده شود و مورد بحث قرار گرفت. ما در این جا نیز قسمت هایی از این مقاله را می آوریم. مقاله با شرح حال کوتاهی از ویلهم رایش روان شناس اتریشی (۱۹۵۷-۱۸۹۷) آغاز می شود و... " با پیشرفت هایی که در بعضی از جوامع سرمایه داری موجود دیده می شود، باید ادعا کرد که هنوز نتوانسته اند به خواست های جنسی جوانان به فرم درست جوابگو باشند. با دلایلی از جمله اخلاقیات، فرهنگ و بهداشت سعی می کنند بر روی این خواست جوانان سرپوش گذاشته شود، از آنها می خواهند که پرهیزکارانه زندگی کنند. در جوامع حق مادری اولیه، ضرورت نیاز جنسی جوانان را نمی شناختند، در این رابطه اطلاعات و گزارش ها، نمایانگر این واقعیت است که جوانان در این جوامع با نخست نشانه های بلوغ و رسیدگی جنسی می توانستند زندگی جنسی را شروع کنند. آنها با ارزش

نهادن به این دوران و تقدیس آن به عنوان یک واقعه بزرگ اجتماعی خانه‌های عمومی برای جوانان تهیه کرده بودند که جوانان با آغاز رسیدگی جنسی برای برقرار کردن رابطه جنسی به این خانه‌ها مهاجرت می‌کردند. همچنین درجوامع اولیه که نهادهای تک همسری موجود بود، با این وجود جوانان در دوران بلوغ تا زمانی که رسماً ازدواج کنند خیلی آزادانه می‌توانستند رابطه جنسی داشته باشند. به طوری که از گزارش‌های داده شده برمی‌آید در این گونه جوامع هیچ اثری از عشق‌های بی‌فرجام و یا خودکشی جوانان در اثر فشارهای جنسی موجود نبوده است. "درجوامع قدرت مند مراسمی برای تقدیس دوران بلوغ از طرف کلیسا و یا دولت برگزار می‌شود، در این مراسم بعد از ستایش جوانان به این که شما دیگر زیچگی درآمده‌اید و بزرگ شده‌اید به آنان توصیه می‌شود که از برقرار کردن رابطه جنسی که گناهی بیش نیست، دوری کنند. داشتن چنین رابطه‌ای زمانی امکان پذیر است که جوانان ازدواج کرده باشند...."

"برای شرح و بیان هرچه بیشتر ضرورت جنسی جوانان در دوران بلوغ می‌توان از "خودارضای" نام برد، این عمل در علم اراض‌شناسی تنها عملی است که نشانگر کمبود رابطه جنسی می‌باشد. با این وجود که عملی ساده و بدیهی و مهم است ولی در هیچ رساله‌ای به آن اشاره نشده است، ولی همین که این عمل (خودارضای) همیشه سعی شده و می‌شود که پنهان نگه داشته شود، خود دلیل بر مهم بودن آن است...."

"محققین روان‌شناسی با آزمایش‌هایی که در رابطه با قدرت محرکه ناآگاهانه دوران بلوغ کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که این دوران یک فاز دوباره زنده شدن است، همراه با رویاهایی از جمله آرزوی زنا-شویی با خویشاوندان، چیزی که در کودکی زیاده‌آن فکرمی‌شود.... با یادگفت که همه این‌ها با عمل خودارضای مطابقی‌ند و فقط ناشی از رویاهای ناآگاهانه است. مشکلات و مسائل دوران بلوغ با موانع جنسی دوران کودکی مطابق دارد بر خورده‌ایی کاملاً ابتدائی (پدر تباید جلودختر بچه لخت شود) می‌توانند سوء تاثرات خود را در دوران بلوغ در جوان نشان دهد. این مشکلات باعث دوباره زنده شدن رویای زناشویی با خویشاوندان در دوران بلوغ می‌شود و کمک می‌کند به عمل خودارضای ولی شرط اصلی نمی‌تواند باشد، بل که فشارهای روانی - جنسی است که شرط اصلی و باعث عمل خودارضای می‌شود...."

"... زمانی که هر دو دوران (کودکی و بلوغ) موانع رشد جنسی وجود داشته باشد، و هر چه این موانع وضربات آن در دوران کودکی بیشتر باشد به همان نسبت فعالیت جنسی دوران بلوغ در نوجوانان کمتر است، بطوری که حتی جوانان در این دوران از برقرار کردن یک رابطه کاملاً طبیعی جنسی عاجز می باشند، و ادامه با آن هر چه فعالیت جنسی جوانان در دوران بلوغ کمتر باشد به همان نسبت موانع اجتماعی بر جوانان تاثیر بیشتری می گذارد...."

مقاله داده می یا بدو با نقل قولی از لنسی "Lindsey" جوان باید روحش نیز مانند نفس کشیدتش آزاد باشد "این قسمت از مقاله پامانی می یا بد. بنا بر مطرح شدن مسائل مختلف در رابطه با مقالات خواننده شده همگی بر آن تدبیر سمینا را آینده به این بحث ادا مدهیم.

- سمینا در ادا مه کارش برای تدارک جشن هشتم مارس برنا مریزی هایی کرد، تا ریخ برگزاری این جشن روز شنبه ۹ مارس در برلین می باشد. ما نیز ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز جهانی زن را به زنان سراسر دنیا تبریک می گوئیم.

- سمینا را آینده جنبش مستقل زنان در ادا مه همان بحث مسئله بلوغ می یا شد که به مدت سه روز، روزهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ماه یولی در یکی از شهرهای آلمان برگزار خواهد شد. ما شرکت همگی زنان علاقمند را به این سمینار خوش آمد می گوئیم.

گرمی زنان مکان برگزاری سمینار را می توانید از فصل نامه زنان "نیمه دیگر" در لندن دریافت دارید.

جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج از کشور آلمان

۳۱/۱/۸۵

فعالیت های زنان پناهنده ایرانی در برلین غربی

سریین اتحاد، از اعضای فعال و قدیمی اتحاد ملی زنان یا همکاری عده ای از زنان پناهنده ایرانی فعالیت های رفاهی و فرهنگی برای استفاده زنان پناهنده برای انداخته اند. با این زنان می توانید به آدرس زیر مکاتبه کنید:

Postlagerkarte
012037 B
1000 Berlin 12

از میان نامه های رسیده

هیئت تحریریه نشریه نیمه دیگر :

تبریکات صمیمانه ما را برای انتشار نشریه نیمه دیگر بپذیرید. ما جمعی از زنان ایرانی هستیم که در تنگلی بنام "کمیته دمکراتیک دفاع از حقوق زن" در لوس آنجلس گرد هم جمع آمده و هدف خود را تحقیق و ترویج و تبلیغ در مورد مسئله زنان و بخصوص زنان ایران قرار داده ایم. برای آشنایی بیشتر با یکدیگریم که این کمیته جلسه سخنرانی آذر طبری را در شهر لوس آنجلس به زبان فارسی برگزار کرده. این کمیته از افراد مختلف با تعلقات سازمانی و فکری متفاوت و مستقل تشکیل شده است و نشریه نیمه دیگر را این کمیته در اختیار افراد علاقمند قرار داده می شود. از آنجایی که کمیته یکی از اهداف خود را بررسی و تحقیق در مورد مسئله زنان می داند، حساسیت خاصی در مورد نشریات و مقالات متفاوت که در مورد مسئله زنان نوشته می شود داشته و خود را موظف به نقد و بررسی آنان می داند. از این رو نشریه نیمه دیگر را این کمیته مورد بررسی قرار گرفته و بدینوسیله مجموع نظرات خود را برای شما ارسال می داریم. امیدواریم که نشریه نیمه دیگر در پیشرفت خود هر چه بیشتر کوشا و مومن باشید.

نظرات ما :

۱- حرفی با خوانندگان : عموماً "هنر نشریه ای که انتشار خود را آغاز می کند، و در این مورد بخصوص نشریه زنان که برای ایرانیان تا زگی هم دارد، در بخش اول که خوانندگان خود را مخاطب قرار می دهد، هدف خود را از انتشار نشریه توضیح می دهد. همچنین مسائلی مانند چرا در آمدن چنین نشریه ای با این مشکل (نظرات گوناگون) و محتوا (در مورد مسئله زنان) ضرورت دارد، و روی سخن نشریه با چه کسانی است، را برای خوانندگان خود که بتازگی محاوره را با آنان آغاز کرده توضیح می دهد. قسمت "حرفی با خوانندگان" اعم صحبت خود را بر سر مشکلات تکنیکی و

مالی و تبریکهایی را که نشریه دریا فت کرده است گذاشته و توضیح آن تنها در این زمینه باقی می ماند. ما فکرمی کنیم که هیئت تحریریه نیمه دیگر مطالب بسیار دتری داشته که می توانستند با خوانندگان خود در میان بگذارند. همچنین انشاء این قسمت ثقیل بنظرمی آید و بهترمی بود که واضح تر و ساده تر نوشته می شد. بنظرمی آید که نویسنده این سطور چنان در غالب کلمات خود فرو رفته که محتوا و سادگی بیسان را به فراموشی سپرده است.

۲- چهره زن در چراغ مشروطیت : در این قسمت بهترمی بود که اسمها ابتدا به فارسی نوشته شده و در پراگنتزویا پا ورقی به انگلیسی آن اشاره می شد.

۳- جنبش سا فرجت زنان انگلیس : از آنجا که بیشتر اعضاء هیئت تحریریه "نیمه دیگر" در اروپا بسر می برند (به خصوص در انگلیس) شاید پرداختن به جنبش زنان انگلیس بیشتر مورد مطالبه آنان قرار گرفته و جدا بیت خاصی برای آنان دارد. اگرچه جنبش سا فرجت زنان انگلیس در زمره اولین و مهمترین جنبش زنان در دنیا است، اما بهترمی بود که نثریه در ابتدا به بررسی جنبشهای زنان در کشورهای تحت تسلط و عمدتاً کشورهای که با شرایط ایران شباهت بیشتری دارند می پرداخت تا جنبش زنان در کشوری که مهد رشد سرمایه داری کلاسیک می باشد. همچنین در باره موضع گیری که در مقاله در رابطه با موفقیت این جنبش به نداشته ارتباط با اعزاب طبقه کارگر شده بود باید گفت که این مطالب در سطح یک موضع گیری باقی ماند. و در واقع بدون آنکه باز شود به صورت یک فتوا درآمده است.

۴- ندائی از دیار تجربه های عقیم عشق : نویسنده مقاله این ب بنظرمی آید که تنها اشعار فروغ را به نشر کشیده و به بیان صرف اشعار پرداخته است. متأسفانه جای بررسی و نقد آثار فروغ در مقاله خالی است. به عنوان مثال آنجایی که فروغ بیان می کند روابط عقیم و ملال آورند، تنها شعرا و تکرار می شود و اینکه چرا این روابط بنظر او عقیم و ملال آورنده اند، نگفته اند. تا شير فروغ بر زنان زمانه با زن شده است و نقش اجتماعی فروغ که "پوشیده باقی مانده است." فروغ، آنچنانکه رسم دیدگاههای مردسالارانه است، تنها از دریچه روابط جنسی نگریسته شده. گویا عیان فروغ تنها بر علیه روابط جنسی بود و هیچ دیگری را نمی دید و یا در اشعارش بیان نمی کرد. بسیار جای

داشت که در نشریه‌ای که برای زنان وبوسیله زنان نوشته می شود جنبه های دیگر اشعار فروغ با زمی شد و تنها آنچنانکه روشنفکران شوونیست ما نوشته اند، فروغ را به عنوان فردی که تنها در رابطه با روابط جنسی می نوشت و گویا جنسیت تنها نقطه هویت او در نظر گرفته می شد.

داستان کوتاه : داستان بیشتر جنبه بیان یک خاطره را داشت و مشخص نبود که داستان چه چیزی را می خواهد به خواننده منتقل کند. تعریف یک خاطره از صحنه‌ای که هر روز صدها بار به اشکال مختلف در شهر تکرار می شود. شاید جریان واقعیه برای خواننده خارجی بسیار جالب باشد اما برای خواننده ایرانی چیز تازه‌ای نداشت.

شعر : آوازه‌ای گم شده، بنظر می آید شاعران گاه به بیانیه‌ای مبارزات مردم را قاضی شده و اصل مبارزه را بپرسشوال می کشد. آیا فکرمی کنید برای ملتی که در این مدت ۵ سال صدها هزار کشته ز خود باقی گذاشته این کمی بی حرمتی باشد.

نقد فیلم یل : اگرچه اینجا و آنجا نکته‌ای در مورد فیلم یل مطرح شده است اما بیشتر مقاله‌ها به تنها تعریف و بیان فیلم پرداخته است. نویسنده مقاله می تواند نکات بیشتری در مورد نقد فیلم مطرح کند. گفتگویی با دوزن ایرانی : ابتدا باید بگوییم که بنظر ما چپ ایران به مسئله زنان برخورد اصولی نداشته و این کمبود خود ناشی از کم تجربه‌گی نداشتن کار در مورد مسئله زنان، و وجود انحرافات ایدئولوژیکی و... می باشد. اگرچه ادعان ما ریم که چپ ایران نیز از جا معده ایران جدا نبوده و کمبودها و نقوص متفاوت در مورد شناخت مسئله زن و ارائه راه حل برای آن در تمام جنبه‌های جامعه ما خود را نشان می دهد و بطور کلی طرح مسئله زن خود بیش از چند سالی نیست که در این جامعه

بنگایت پدرسالار انجام گرفته است. کماکان جای بررسی دقیق از برخورد چپ ایران به مسئله زنان و بیرون کشاندن نقاط ضعف آن برای درس آموزی برای آینده خالی است و به عنوان یکی از وظایف زنان آگاه ایران کماکان مطرح است. نقطه ضعف اصلی این مقاله (مباحثه) متنوع برخورد شاید این امر مهم می باشد که کمال بررسی شما در این مقاله بیان ناقص خاطره دوزن ایرانی است. ما فکرمی کنیم بررسی علمی و حتی جدی یک جنبه از طریق بیان دو خاطره که در بسیاری می تواند تنها به حدیک برخورد شخصی تنزل پیدا کند امکان پذیر باشد. ارزش این دو مباحثه تنها در حد بیان یک خاطره شخصی است اما زمانی که در نشریه

دوستان نیمه دیگر .

پس از آرزوی موفقیت برای شما در ادامه را هی که در پیش گرفته اید ، ما یلم اطلاعاتی راجع به گروه کوچکی از زنان که در بلژیک مسئول فعالیت هستند را اختیارتان قرار دهم .

شما به چاپ می رسد ، از آن فرا تر رفته و نیو بر خور د شما را به مسئله زنان از دیدگاه چپ مطرح می سازد . از طرف دیگر چپ ایران ، در این گفتگو ، تنها به سازمان چریکهای فدائی خلق خلاصه می شود . جلوتر بنا بر تجربه شخصی " فرشته " اتحاد مبارزان برخورد صحیح تری نسبت به مسئله زنان پیدا می کند چرا که بر عکس سازمان فدائی اصرار زیادی به سرکسردن روسری می کند . ما فکرنمی کنیم که هیئت تحریریه نشریه " نیمه دیگر " خود قبول داشتند یا شد که چنین معیاری را آن هم با خالی کردن شرایط زمانی و مکانی و سازمانی از آن بتوان محک سنجش برخورد گروههای مختلف چپ نسبت به زنان داشت . همچنین شاید بهتر می بود اگر نشریه در کنار موضع گیری خود در مقابل چپ ایران حدود مرز خود را با بورژوازی نیز مشخص می کرد .

هما نظر که گفته شد ما تیرا انتقادات بسیاری نسبت به برخوردهای نیروهای چپ نسبت به مسئله زنان داریم ما برای بررسی آن تحقیقات دقیق و بسیاری را لازم می دانیم ، زیرا تنها در این صورت است که از تکرار اشتباهات در آینده جلوگیری بعمل خواهد آمد و آلترنا یتم برخورد درست شکل خواهد گرفت .

در خاتمه باید بگوییم که نشریه تنها خوانندگان روشنفکر را به خود جلب می کند . اگر بتوانید مطالب نشریه را با مسائل روز زنان بیشتر مرتبط سازید خوانندگان بیشتری پیدا خواهد کرد .

در کنار انتقادات بالا انتشار نشریه " نیمه دیگر " قدمی است در راه شناخت بیشتر مسئله زنان .

موفقیت شما موفقیت ما خواهد بود . موفق باشید

" کمیته دمکراتیک دفاع از حقوق زن "

یکسال از تشکیل آن میگذرد. فعالیتها بی را که تا کنون کرده است عبارتند از: تماس با سازمانهای مختلف زنان در بلژیک، انگلستان و صاحبده در رابطه با موفقیت زنان در ایران، دادن اطلاعاتی در زمینه سازمانهای زنانی که در ایران فعالیت میکردند "مشخصاً" اتحادیه ملی زنان "، شرکت در مراسم روز جهانی زن و دادن دو تراکت به فارسی و فرانسه در سال گذشته که در واقع اعلام موجودیت مانیز بود. شرکت در مراسمی که زنان شیلی در این رابطه برگزار کردند و سخنرانی. شرکت در بحث و گفتگو با زنان مصر، تونس که بیشتر مربوط به مسئله اسلام و زنان میشد. امسال نیز در مراسم مارس که در "آنسن بلژیک" برگزار شد از ما نیز دعوت کردند، که زنان خارجی شرکت کننده زنان کارگر لندن انگلیس، هلند، آل سالوا در، فیلیپین، ایران بودند که هر یک در رابطه با مسائل زنان در کشورشان سخنرانی کردند. که مورد توجه و تعجب قرار گرفت. در واقع هر چه که در مورد وضعیت زنان در ایران گفته شود باز کم است و حیرت همگان را بدنبال دارد. در همین روز در مراسمی که زنان شیلی برگزار کردند نیز از ما دعوت شد و "مولا" همکاری نزدیکی با آنها داریم چرا که تجربه آنها در زمینه "ما زمان مستقل زنان" بسیار پر بار است و میشود گفت که بسیاری از مشکلات را که تا امروز با آن دست به گریبان هستیم طی کرده اند.

اما در مورد نشریه شما

این نشریه بوسیله دوستانی که در برلین دارم برایم فرستاده شد. یعنی شماره اول و دوم آن را در اختیار سایرین هم قرار دادم. بالطبع نظریه هم در موردش زیاده است. بنظر خود من بسیار خوب است و هر چه در زمینه فرهنگی و در مورد زنان کاری کنیم باز هم کم است. فقر فرهنگی در این زمینه پیدا میکند. بنظر من مقالات خوب هستند و امیدوارم در این زمینه موفقیت های بیشتری کسب کنید.

در مورد خودم

در ایران با اتحادیه ملی زنان فعالیت میکردم. در آن زمان با فشاری من روی استقلال این سازمان و عدم وابستگی اش به جریانهای سیاسی بود. کما اینکه در کانون مستقل معلمان نیز همین تلاش را میکردم. و گفتنی در این زمینه ها بسیار است. در حال حاضر سعی میکنم که با کلیه جریانهای زنان ارتباط داشته باشم. البته با کمیته موقت که همیشه را در حال حاضر کمیته دمکراتیک زنان گذاشته است تماس و همکاری

دارم. بنظر میرسد که نقطه نظرهایمان در مورد مسئله زنان بسیار به هم نزدیک باشد.

مقاله‌ای که به همراه این نامه فرستاده‌ام برای سمیناری با همین موضع که کمیته موقت در سپتامبر برگزار کرده شد البته پس از برگزاری سمینار به دستشان رسید که به هر حال برای آنان فرستاده‌ام. در ضمن علاقمند هستم که نشریه را از این بی‌عده خود مستقیماً "دریافت کنم". آدرس در پشت پاکت نوشته شده است و پولش را هم همراه این نامه برای آنان می‌فرستم.

با آرزوی موفقیت برایتان
یکوی

اول مارچ ۱۹۸۴

هیئت تحریریه متحرم نیمه دیگر

نامه و کارت مربوط به اشتراک فصل نامه نیمه دیگر رسید به همت و فکر خوبتان آفرین می‌گویم و برایتان موفقیت و پشتکار آرزوی کنم. به نظرمی رسد که گروهی از زنان روشنفکر اهل قلم در صددند که صدای نیمه دیگر را به گوش این نیمه و آن نیمه هر دو برسانند و فعلاً لیت‌های پراکنده و کم اثر را مجتمع کرده و سروسامانی بدهند. با اینکه صد درصد این هدف را تأیید می‌کنم ولی با خواندن نامه جوف کارت قبسول اشتراک مشکلی برایم پیش آمد که لازم می‌دانم به اطلاعتان برسانم. امیدوارم به آن توجه بفرمائید و یقین داشته باشید که جز تأیید و خیر خواهی نظرد دیگری در کار نیست.

خیال می‌کنم به عنوان نویسنده و مترجم کتابهای بچه‌ها از حد متوسط اطلاع از زبان فارسی برخوردار هستم. این چند ساله اخیر یاد گرفته‌ام که هر متنی را که نمی‌فهمم که دوباره و سه‌باره بخوانم و سعی کنم اشکال را در خودم ببینم نه در نوشته. با اهل فن مشورت کرده و نظرخواهی کنم. همه این کارها را در باره نامه‌م کردم و با زهم مشکل دارم. مثلاً "معتسی جمله سطر سوم..." بریریت حاکم با تکیه بر صیغه مذهبی خود ما را آماج ... "این کلمه صیغه مذهبی چه صیغه‌ای است؟

پاراگراف دوم منظورتان ازنا معقول ترین مخلوق تاریخ کیست ؟
 آیا این گزاره گویی و غلو نیست .
 پاراگراف سوم ، مدعیان "قیومیت" آیا اشتباه چاپی است درواقع
 قیومیت است یا این هم لغت تازه ای است که با هجوم عرب بر زبان
 فارسی تسلط یافته .

پاراگراف چهارم - منظورتان از فراکسیون و انشعاب در قاره و منطقه
 درباره وضع عمومی سیاسی یا مسئله زن روشن نیست .
 خلاصه بگویم . نام شما آب سردی بود که بر روی احساس گرم ریخت
 باور کنید لحظه ای که نام مرا با زکرم در مغز به سرعت دنبال ایمن
 می گشتم که چقدر و چگونه می توانم در این امر مهم شرکت کنم ، هر چه بیشتر
 خواندم دیدم انگار هدف هیئت تحریریه محترم این فصل نام مرا با زکرم در
 راه ارتباط فکری با خوانندگان نیست . شک ندارم که بخوبی می
 دانید که چه می خواهید بگوید ولی با استفاده از این نثر غیر آشنا

خوانندگان با سواد کم یا متوسط را که مشتاقانه ما یلندا را فکار شما
 مطلع بشوند در می دهید . ببخشید اگر فضولی کردم ولی دلم نمی خواهد
 فعالیت یک گروه زن روشنفکر خارج از وطن با سرمایه مختصری نتیجه
 بماند . لذا توصیه می کنم هر قدر که میسر باشد حرفتان را ساده بزنید .
 حرف مشکل را ساده زدن هنر است ولی حرف ساده را مشکل زدن نتیجه ای
 جز ترساندن و زده شدن ندارد .

در مورد همین نام مد تجربه کوچکی کردم و برایتان می نویسم . بسا
 نویسنده مطلع و مشهور هم زمان خودمان که آثارش به زبانهای مختلف
 ترجمه شده است تلفظی تماس گرفتیم و گفتم مشکلی دارم . این نام مرا می
 می خوانم برایم معنی کن . پس از پاراگراف سوم ، خواندم مرا قطع کرده
 و گفت من هم درست نمی فهمم چه میخواهند پولت را هدر بدهد .

به یکی از دانشجویان ایرانی فوق لیسانس که زن سیاسی و فعالی
 است نام مرا دادیم پس از خواندن صفحه اول نام مرا کنایه گذاشت .
 برای دختر ۱۱ ساله ام نام مرا خواندم . وسط آن پا شد رفت و دیگری
 لای تله روشنفکری نهاد .

این تجربه کوچک و ملموس را برایتان نوشتم که بدانید دیوانه وار به
 آب زده ام و لااقل تحقیق در شرق میانه آمریکا نظر مخلص را در حد بسیار
 مختصری تأیید می کند .

با آرزو برای موفقیت گروه نامم را تمام می کنم و از اینکه ما شین
تجزیه دارم که خوانا تر مکتبه کنم معذرت می خواهم .

مهدخت - ص (د)

از میان آنچه برای ما رسیده:

در فاصله بین شماره ۲ و ۳ "نیمه دیگر" کتابها، جزوات و نشریات زیر
برای ما رسیده است. ۱. همه کسانی که این نشریات و کتب را فرستاده اند
ممنونیم و امیدواریم در آینده نیز مورد محبت نویسندگان و ناشرین قرار
بگیریم. چاپ لیست نشریات رسیده به این معنا نیست که بعداً "برخی از این
کتابها و جزوات در بخش معرفی و نقد کتاب نخواهد آمد."

جراید دریافتی :

۱- ایران آزاد

۲- جبهه

۳- کردستان

۴- اخبار ایران (از انتشارات هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا)

۵- رهائی

۶- آزادی ایران

کتب و جزوات دریافتی

۱- نشریه قلم شماره ۸ و ۷

Postfach 450421
1000 Berlin 45
W. Germany

۲- کارنامه فرهنگ و هنر ایران

از شماره ۱ تا ۴

FARHANG-VA-HONAR-E-IRAN
C/o SAEDI
P. B. 215-07
75327 Paris CEDAX 07
FRANCE

۳- اندیشه‌ها ئی شماره ۲ و ۳ و ۴

ALIAS
Postfach 396
1060 Wien
AUSTRIA

ANDICHE-RAHAI
Rue du progres, 1119
2300-LA CHAUX-DE-FONDS
SUISSE

۴- یودونبود

سروده‌ها ئی از جمشید

P. O. Box 6113
Station J.
Ottawa, Ont.
K2A 1T2 CANADA

۵- اندیشه‌سیا سی خصیئی

قدرت جوئی از راه دین

نوشته جمشید

P. O. Box 6113
Station J.
Ottawa, Ont.
K2A 1T2 CANADA

The KHOMEINI'S VIEW
Religion For Politics

۶-

۷- پیرامون مسئله زنان

و منشور تشکل مستقل

دموکراتیک زنان ایرانی

در اروپا

Postlagerkarte
Nr. 012027 B
1000 Berlin 120
W. Germany

به فصلنامه پویا شماره ۲

نشریه مستقل بررسی‌های

مارکسیستی

P. O. Box 6260
F. D. R. Station
New York
N.Y. 10150

۹- پدریت غاصب

منشاء ستم‌کشیدگی مشترک زنان جهان

نوشته آزاده آزاد

AZADEH AZAD
P. O. Box 1064 Snowdon Station
Montreal, Canada, H3Y 3YZ

LA Paternite
USURPATRICE,

۱۰-

L'Origine de l'oppression
des Femmes

Lithographic' au Canada
sur les presses de
L'Imprimerie Gagne' Ltcc
Lousenille-Montreal

نوشته آزاده آزاد

"این کتاب رابطه مناسبت مدامین مال نگارش منشاء خانواده و مالکیت خصوصی فردریک انگلس، و بعنوان نقد و پاسخی بر آن، به زنان ایرانی تقدیم می‌دارم. آزاده آزاد، ۱۷ اسفند ۱۳۶۲"

۱۱- یک حرف بس است

حرف‌هایی که من درباره شورای ملی مقاومت

و مجاهدین خلق داشتم

غلامحسین باقرزاده

G. H. Bagerzade,
B M - ESSY, London WC1N 3XX
Anglujo. 29-a Oktobre 1984

۱۲- پندارها: (۱)

بسوی انسانیت نوشته دکتر عنایت قماشچی

۱۳- پندارها: (۲)

... زندگی‌ها و گرایش‌ها ... نوشته دکتر عنایت قماشچی

۱۴- از بندتارهای نوشته دکتر عنایت قماشچی

۱۵- IRAN - Freedom and Foreign Interference
از انتشارات روشنفکران
ایران

RAHAI
P. O. Box 66463
LA, CA 90066
U.S.A.

۱۶- فدائیان اسلام
از انتشارات پلاتفرم چاپ - لوس آنجلس

ISA - WC
P. O. Box 5542
Glendale, CA 91201
U.S.A.

۱۷- کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود
از انتشارات "کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک
زنان ایران - آمریکا" (هواداران سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران)

AKHTAR
C/O ALAM FOROUZ
B.P. 123-16
75763 PARIS
CEDEX 16
FRANCE

۱۸- اختر (اختر دوم)
مجموعه مقالات

P. O. Box 11333
Alexandria, VA 22312
U.S.A.

۱۹- دودآتش
سخنی پیرامون ازدواج مسعود و مریم رجوی
نوشته م عارف

IRANSKA KVINNOFORBUNDET
P.R - 17107
SOLNA SWEDEN

۲۰- مجموعه اشعار همدانش

۲۱- گاهنا مه شماره "۱" انجمن مستقل زنان ایرانی در استکهلم:

"درباره مسئله زن"

آدرس پستی

۲۲- متن خلاصه شده دومین سمینار کمیته دمکراتیک زنان ایران:

۲۹ و ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۴ پاریس -

آدرس پستی

C.I.P.C.J.I.F
C/O Mme BLUD B.P. 252
750227 PARIS CEDEX 05 FRANCE

Nimeye-Digar

BM NASIM
LONDON WC1N 3XX
BRITAIN

Persian Language Feminist Journal

No.3, and 4 Winter 1986.

In This Issue:

Irاندokht Azadeh; Chronicle of the Iranian Women's movement in Germany.

Homa Shadi; A brief review of the Egyptian women's movement.

F. Sanatkar; Political Marriages of Mojahedin Khalgh.

Homa Shadi; Interview with Naval Al Saadawi

and short stories, poems, reviews,
archive section, chronology.

Price: £2.00/\$4.00

This Special issue -(3 and 4) £3.00/\$6.00

Subscription rates for four issues:

Individual: Europe, £10.00, all other
places (airmail), \$18.00.

Institutions: Europe, £20.00, all
other places (airmail), \$36.00.

(Surface mail rates are the same as
those for Europe.)

Cheques should be made to Nimeye Digar.

All correspondence to BM NASIM
London WC1N 3XX
BRITAIN

فصلنامه زنان